

# رشته‌های سنتی مطالعات قرآنی<sup>۱</sup>

کلود ژیلیو ترجمه مهرداد عباسی

همچنین موضوع «سبعة احرف»<sup>۹</sup> که با نحوه نزول قرآن مرتبط است، نقشی اساسی در این تصویر الاهیاتی از قرآن ایفا می‌کند؛ چنانکه آن را در استفاده فقیه اندلسی، ابوبکر بن عربی (م ۵۴۳) از این حدیث نبوی می‌توان مشاهده کرد.<sup>۱۰</sup> به نظر او «علوم حدیث، شصت علم است؛ اما علوم قرآن بیشتر است».<sup>۱۱</sup> از نگاه او علوم قرآن ۷۷۴۵۰ علم است یعنی به تعداد کلمات قرآن.<sup>۱۲</sup> این اظهار نظر آخر ظاهراً در سخنان علمای صوفیه ریشه دارد؛

۱. نوشتار حاضر ترجمه‌ای است از:

Claude Gilliot, "Traditional Disciplines of Qur'anic Studies", in *Encyclopaedia of the Qur'an*, J. D. McAuliffe (ed.), Leiden 2001-2006, vol. 5, pp. 318-339.

۲. ابن ابی شیبہ، المصنف، ج ۶، ص ۱۲۷، ش ۳۰۰۰۹؛ ابوعبید، فضائل، ص ۴۱-۴۲، ش ۷۹؛ ابواللیث سمرقندی، تفسیر، ج ۱، ص ۷۱؛ بیهقی، شعب، ج ۲، ص ۳۲۲، ش ۱۹۶۰؛ غزالی، احیاء (۸/ آداب تلاوة القرآن)، ج ۱، ص ۲۵۴، ش ۱۸؛ زبیدی، اتحاف، ج ۵، ص ۹۴؛ قرطبی، تفسیر، ج ۱، ص ۴۴۶-۴۵۳؛ زرکشی، برهان، ج ۱، ص ۸.

۳. بخاری، صحیح، ج ۳، ص ۴۰۲ [۶۶]، فضائل القرآن، [۲۱].

۴. در برخی نسخه‌ها: چون از جانب خداست، بغدادی، فصل، ج ۱، ص ۲۳۴-۲۳۶؛ ابن صریح، فضائل، ص ۷۷-۷۸، ش ۱۳۲-۱۴۰؛ آجری، اخلاق، ص ۶۱-۶۸؛ رازی، فضائل، ص ۷۰-۷۱، ش ۲۶-۲۷؛ ابن رجب، مورد، ص ۷۵-۷۶؛ سیوطی، اتقان، ج ۴، ص ۱۲۴؛ قس. بقاعی، مصادد، ج ۱، ص ۲۷۸-۲۷۹، ۲۹۸-۳۰۱ و فیروزآبادی، بصائر، ج ۱، ص ۵۷-۶۴ را با احادیث دیگر؛ علوم القرآن عند المفسرین، ج ۱، ص ۶۹-۸۶.

۵. این مضمون در آیه ۸۹ سوره نحل آمده است.

۶. بقاعی، مصادد، ج ۱، ص ۳۷۹ از تفسیر عبدبن حمید (م ۲۴۹)؛ Sezgin, GAS, 1/113

۷. ابن عربی، قانون، ص ۱۸۰.

۸. سیوطی، اتقان، ج ۴، ص [۲۸] فصل ۶۵.

۹. در متون متأخرتر گاهی «حرف» مطابق است با آنچه زبان شناسان فرانسوی articulation (تلفظ) می‌نامند.

۱۰. قانون، ص ۷۰، ۱۸۹-۱۹۵.

۱۱. همان، ص ۱۹۳.

۱۲. همان، ص ۲۲۶-۲۲۷؛ زرکشی، برهان، ج ۱، ص ۱۶-۱۷؛ سیوطی، معترک، ج ۱، ص ۲۳؛ همو، اتقان، ج ۴، ص ۳۷ [فصل ۶۵]؛ قس فصل ۱۹، ج ۱، ص ۲۴۲، برای تعداد کلمات: ۷۷۴۳۵، ۷۷۴۳۷ یا [۷۷۲۰۰]؛ حدود ۷۸۰۰۰؛ Rosenthal, Knowledge, 20: ۷۸۰۰۰.

در الاهیات اسلامی، قرآن، «علم» به شمار می‌آید و بنابراین عجیب نیست که فهم و تفسیر متن قرآن نیز والاترین نوع علوم دانسته شود. در حدیثی منسوب به پیامبر (ص) به نقل ابن مسعود می‌خوانیم: «هر کس علم می‌خواهد باید قرآن را به دقت مطالعه کند، چون علم اولین و آخرین در آن است».<sup>۲</sup> یا در حدیثی دیگر منسوب به پیامبر (ص) آمده است: «بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و آن را به دیگران یاد دهد».<sup>۳</sup> فضل زبان قرآن نسبت به هر زبان دیگری مانند فضل خدا بر مخلوقاتش است.<sup>۴</sup> یا بر اساس حدیثی منسوب به علی (ع): «خداوند در این کتاب بیان هر چیزی را نازل کرده است،<sup>۵</sup> اما علم ما به آن بسیار محدود است».<sup>۶</sup> نزد عالمان مسلمان «کتاب خدا و احادیث پیامبر، بیانی برای هر چیز دانستنی است».<sup>۷</sup> به تدریج علوم برگرفته از قرآن یا به کار رفته برای فهم آن به چندین «علم» یعنی «علوم قرآن» تقسیم شد که در عنوان این مقاله با تعبیر «رشته‌های سنتی مطالعات قرآنی» از آن یاد شده است.

قرآن، اشرف علوم

چنان که پیشتر گفته شد در نگاه اسلامی، قرآن همه علوم و به ویژه تمامی علوم شرعی را به گونه‌ای صریح یا مبهم، شامل است. عبارت معروف ناظر به این باور، آیه ۸۹ از سوره نحل است: «وَتَزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ». بنا به دیدگاه برخی آیه مَافَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ [انعام: ۳۸] نیز به همین معنا است.<sup>۸</sup>

موعظه است، و انجیل عیسی که ستایش و تشویق به گذشت و نیکوکاری است و در آنها خبری از احکام و شرایع نیست و کتاب‌هایی دیگر از این قبیل. این کتاب‌ها بر برخی از معانی هفت‌گانه نازل شده است در حالی که کتاب ما شامل همه آنهاست و خدا، پیامبر ما محمد(ص) و امتش را بدان مخصوص کرده است. ۲۴

موضوع «سبعة احرف» (در منابع سنی) ۲۵ احتمالاً از یهودیت یا مسیحیت و فهم آنان از معانی چهارگانه کتاب مقدس وام گرفته شده است. ۲۶ حدیث راجع به هفت ۲۷ معنا/وجه (حرف) قرآن به صورت‌های مختلفی تفسیر شده است. ۲۸

شیعیان امامیه، به ویژه اصولیان نیز همانند اهل سنت به ذکر این احادیث و بحث درباره آنها پرداخته‌اند. اما شیعیان نخستین

۱۳. احیاء، قاهره، ۱۹۳۹، ج ۱، ص ۷۷۲۰۰: ۲۹۰ علم.
۱۴. امروزه در اختیار نیست؛ حاجی خلیفه، کشف، ج ۱، ص ۲۷۳، ش ۶۱۳.
۱۵. نزهة الاسماء، در این رجب، مجموع رسائل، ج ۲، ص ۴۶۳ بر ضد آواز خواندن قرآن و خواندن آواز به طور کلی؛ الذل والانکسار یا الخشوع فی الصلاة در مجموع رسائل، ج ۱، ص ۲۹۸ درباره کسانی که از شوق شنیدن قرآن جان باخته‌اند.
۱۶. بقاعی، مصاعد، ج ۱، ص ۳۷۹ از آن نقل کرده است.
۱۷. به نقل علوم القرآن عند المفسرین، ج ۱، ص ۱۷۹-۱۸۱.
۱۸. فرات کوفی (م حدود ۳۱۰)، تفسیر، ص ۴۵-۴۶، ش ۱، برای روایات دیگر، ص ۴۶-۵۰؛ Bar-Asher, Scripture, 88-9.
۱۹. زاد، ۱/۳؛ قس ابن ابی شیبہ، مصنف، ج ۶، ص ۱۲۵-۱۲۶، فضائل القرآن، ۱۶.
۲۰. تعبیر فرانسوی mimetisme concurrentiel که مردم شناسان به کار می‌برند.

۲۱. این واژه معانی مختلفی چون روش، وجه، لبه، حرف، عبارت، معنا یا قرائت دارد. در نقل‌های دیگر، به جای حرف، باب آمده است.
۲۲. در برخی نقل‌ها: چهار یا پنج.
۲۳. طبری، تفسیر، ج ۱، ص ۲۱-۷۱؛ ترجمه انگلیسی، ج ۱، ص ۱۶-۳۰؛ مهدوی، بیان، ص ۲۴-۲۸؛ Gilliot, Lectures, 1; id, Elt, 111-133.
۲۴. طبری، تفسیر، ج ۱، ص ۷۱؛ ترجمه انگلیسی، ج ۱، ص ۳۰؛ Gilliot, Lectures, 2/56.
۲۵. قس علوم القرآن عند المفسرین، ج ۲، ص ۱۲۷-۲۰۷.
۲۶. در زبان عبری: پشاط، رمز، دراش، سُد؛ در زبان لاتین: sensus literalis, sensus spritualis

که تقسیم می‌شود به:

- littera/historia, allegoria, tropologi/moralis, anagogia
- Wansbrough, QS, 243; Bowering, Mystical, 139-140; Gilliot, 120-121; Gilliot/Larcher, Exegesis, 100b.
۲۷. سه، چهار یا پنج؛ بقاعی، مصاعد، ج ۱، ص ۲۸۲-۲۸۸.
۲۸. ۱۶ یا ۲۵ تفسیر در منابع سنی، که ما آن را به هفت نوع تقلیل داده ایم؛ Gilliot, Lectures, 1/18

این نکته، پیشتر در احیاء علوم الدین غزالی (م ۵۰۵) آمده بوده است. ۱۳

در دوره ای بعد، محدث حنبلی ابن رجب (م ۷۹۵) کتابی با نام بیان الاستغناء بالقرآن فی تحصیل العلم والایمان نوشت؛ ۱۴ و به همین مطلب در رساله اش بر ضد آواز خواندن و رساله دیگرش درباره خضوع مقابل خداوند در نماز اشاره کرد. ۱۵ از این کتاب آخر معمولاً با عنوان الاستغناء بالقرآن یاد می‌شود. ۱۶

عالم شیعی محمد بن عبدالرحیم نهاوندی (متولد ۱۲۸۹) در مقدمه ففحات الرحمن فی تفسیر القرآن و تبیین الفرقان فهرستی قابل توجه از همه علوم را که تصور می‌شود در قرآن که شامل همه چیز است وجود دارد به دست می‌دهد. ۱۷ بنا به نقلی علی(ع) گفته است: «قرآن بر چهار بخش نازل شده است: بخشی درباره ما (یعنی اهل بیت پیامبر)، بخشی درباره دشمنان ما، بخشی فرائض و احکام، و بخشی حلال و حرام؛ و بخش‌های گرانقدر (کرائم) قرآن از آن ماست». ۱۸

بدین ترتیب، مطالعه قرآن، شریف‌ترین کارهاست. به نوشته ابن جوزی (م ۵۹۷): «قرآن، اشرف علوم است، و فهم معانی آن کامل‌ترین فهم‌هاست؛ زیرا اشرف علم به شرف موضوع آن است. ۱۹»

### خاستگاه‌ها و شکل‌گیری علوم قرآن

محمد(ص) (یا پیروان اسلام) برای تقویت جایگاه دین جدید و پذیرش آن، نوعی تقلید رقابتی<sup>۲۰</sup> را با در نظر گرفتن قرآن به مثابه کتابی برتر از دیگر کتب مقدس به کار بردند. آنها این ادعا را بر این حدیث مشهور منسوب به پیامبر مبتنی ساختند: «نخستین کتاب الاهی بر یک حرف<sup>۲۱</sup> نازل شده، در حالی که قرآن بر هفت<sup>۲۲</sup> حرف فرود آمده است». ۲۳ نقطه ضعف ادعا شده برای کتاب‌های مقدس پیشین و ظرفیت معنایی واژه «حرف»، راه را برای برداشت‌هایی نظیر این گشوده است: «مراد پیامبر از کتاب نخستین که از یک باب نازل شده، آن دسته از کتاب‌های نازل شده بر پیامبران است که عاری از حدود و احکام و حلال و حرام الاهی است؛ نظیر زبور داود که ذکر و

و گروهی که بعدها اخباریان نام گرفتند، بر اساس این اعتقاد که قرآن به دست صحابه تحریف شده است، موضوع «سبعة احرف» را انکار می کنند. آنان همانند مراجع پیشین شان از حدیثی منسوب به امام صادق (ع) بهره می گیرند: «قرآن، تنها بر یک حرف نازل شده و اختلاف صرفاً از جانب راویان است.» از این احادیث احتمالات هفت گانه تفسیری نیز فهمیده شده است، چنانکه امام صادق (ع) می فرماید: «قرآن بر هفت حرف نازل شده است و بهترین کار برای امام آن است که بر هفت وجه فتوا دهد. (این بخش ماست؛ نگاه داریابی شمار بیخش) [ص: ۳۹]. ۲۹»

یکی از معانی برداشت شده از این حدیث به ویژه برای بحث ما جالب است. بنا بر نقل ابن مسعود، پیامبر (ص) گفته است: «نخستین کتاب از یک باب و بر یک حرف نازل شد، اما قرآن از هفت باب و بر هفت حرف فرود آمد: امر و نهی، حلال و حرام، محکم و متشابه، و امثال...»<sup>۳۰</sup> یا در روایتی دیگر هفت حرف عبارت اند از: امر و نهی، ترغیب و ترهیب، جدل، قصص و مثل...<sup>۳۱</sup> هرگز اطمینانی نیست که محمد (ص) چنین عبارتی را گفته باشد، اما نکته جالب برای ما در اینجا آن است که این حدیث با دربرداشتن عدد نمادین هفت که با کمال نسبت و پیوند دارد راهی برای بیان این اعتقاد بوده که قرآن، همه علوم را شامل است. در این حدیث واژه علم ظاهر نشده و صورت اسمی هم به کار نرفته است، بلکه تنها وجه وصفی و صفت آمده است؛ با این همه راه برای ایجاد مقولاتی از اینها یعنی «گونه ها» یا «علوم» مختلف باز شده است. نمونه ای از این سنخ سخنی دیگر از ابن مسعود است: «خداوند قرآن را بر پنج حرف نازل کرده است: حلال و حرام و محکم و متشابه و امثال...»<sup>۳۲</sup>

مفسر متقدم، مقاتل بن سلیمان (م ۱۵۰)، جنبه های گونه های مختلف موجود در قرآن را در دو فهرست کوتاه و بلند جمع بندی کرده است. وی به حدیث نبوی راجع به سبعة احرف اشاره ای نکرده، اما فهرست های او آشکارا با این موضوع در ارتباط است. همچنین این کار او تلاشی است برای تعیین برخی از اصول و قواعد تفسیر قرآن. او از «علم» سخن نمی گوید، اما در این فهرست ها نشانه ای از آنچه در آینده «علوم قرآن» خواهد شد، می توان دید. وی در فهرست نخست می گوید: «قرآن بر هفت وجه نازل شد: ۳۴ امرش، نهی اش، وعده اش، وعیدش و تهدیدش، و ۳۵ گفته وی قابل مقایسه با گفتاری از پیامبر (ص) (م ۶۹) به نقل کلبی (م ۱۴۶) است؛ زیرا کلبی و مقاتل (م ۱۰۰) متعددی با یکدیگر مشترک اند و وارثان تفسیر قرآن می آیند. ابن عباس می گوید: «قرآن بر چهار

وجه [نازل شده] است: تفسیر، که عالمان می دانند؛ عربیت، که عرب می شناسد؛ حلال و حرام، که مردم مجاز به ندانستن آن نیستند؛ و تأویل، که تنها خداوند از آن آگاه است.» و وقتی توضیح بیشتری درباره تأویل خواسته می شود او می گوید: «چیزی است که خواهد بود (ما هو کائن).»<sup>۳۶</sup>

فهرست دوم مقاتل، تفصیلی قابل توجه از نخستین فهرست اوست: «قرآن شامل این مطالب است: ۱. خاص ۲. عام ۳. خاص برای مسلمانان ۴. عام برای مشرکان ۵. عام برای همه مردم ۶. متشابه ۷. محکم ۸. مفسر ۹. مبهم ۱۰. اضممار ۱۱. تمام ۱۲. روابطی در کلام ۱۳. ناسخ ۱۴. منسوخ ۱۵. تقدیم ۱۶. تأخیر ۱۷. اشباه ۱۸. وجوه و جواب آن در سوره ای دیگر ۱۹. امثالی که خدا برای خودش می زند ۲۰. امثالی برای کافران و بت ها ۲۱. امثالی برای این جهان ۲۲. امثالی برای رستاخیز و آخرت ۲۳. خبر گذشتگان ۲۴. خبر بهشت و جهنم ۲۵. خاص برای یک مشرک ۲۶. فرائض ۲۷. احکام ۲۸. حدود ۲۹. خبر دل های مؤمنان ۳۰. خبر دل های کافران ۳۱. دشمنی مشرکان عرب ۳۲. تفسیر ۳۳. تفسیر تفسیر ۳۸. این فهرست شبیه فهرستی

۲۹. ابن بابویه، خصال، ص ۲۵۸؛ علوم القرآن عند المفسرین، ج ۲، ص ۲۱۲.

۳۰. طبری، تفسیر، ج ۱، ص ۶۸، ش ۶۷؛ ترجمه انگلیسی، ج ۱، ص ۲۹؛ ابوشامه، مرشد، ص ۱۰۷، ۱۰۹، ۲۷۱-۲۷۴؛ سیوطی، اتقان، ج ۱، ص ۱۷۰-۱۷۱؛ Gilliot, Lectures, I/20؛ قس ابوعبید، فضائل [۴۴]، ج ۱، ص ۲۷۸-۲۷۹، ش ۷۸؛ متفاوت و از صحابی دیگر.

۳۱. طبری، تفسیر، ج ۱، ص ۶۹، ش ۶۸؛ ترجمه انگلیسی، ج ۱، ص ۲۹ که مورد استفاده ما بوده است؛ ماوردی، نکت، ج ۱، ص ۲۹.

۳۲. طبری، تفسیر، ج ۱، ص ۶۹، ش ۷۰؛ ترجمه انگلیسی، ج ۱، ص ۲۹. Gilliot, Muqatil.

34. Goldziher, Richtungen, 84-5.

۳۵. مقاتل، تفسیر، ج ۱، ص ۱۲۶؛ Gilliot, Elt, 118؛ Nwya, Exegesis, 67.

۳۶. مقاتل، تفسیر، ج ۱، ص ۲۷؛ مراجعه شود به: Gilliot/Larcher, Exegesis, 100b

۳۷. شاید اینجا منظور آیات ارث باشد.

۳۸. مقاتل، تفسیر، ج ۱، ص ۲۷.

Gilliot, Elt, 118-119; Versteegh, Arabic Grammar, 104-105

فراوانی قائل بوده و بنا بر نقلی گفته است: «همه مردم محتاج سه نفرند: مقاتل بن سلیمان در تفسیر، ...»<sup>۴۵</sup>

کتاب‌هایی درباره «علوم قرآن» یا شامل این اصطلاح در عنوانشان پیدایی اصطلاح تخصصی «علوم قرآن» را قرن ششم یا هفتم<sup>۴۶</sup>، یا قرن هفتم<sup>۴۷</sup>، یا حتی آغاز قرن پنجم<sup>۴۸</sup> دانسته‌اند. اما تعیین دقیق این مسئله به میزان اطلاع ما بستگی دارد و تاکنون پژوهش کاملی به زبان عربی یا زبان‌های دیگر راجع به این موضوع انجام نشده است.

آنچه می‌توان گفت، آن است که این اصطلاح تخصصی قبلاً در عنوان کتابی متعلق به نیمه دوم قرن سوم یا آغاز قرن چهارم به کار رفته است: ابن مرزبان (م ۳۰۹م) ۴۹ کتابی مفصل در بیست و هفت جزء با نام الحواوی فی علوم القرآن نوشته است.<sup>۵۰</sup> ما چیزی درباره محتوای این کتاب که ممکن است یک تفسیر قرآن باشد، نمی‌دانیم. مؤلف در درجه اول، ادیب است و بیش از پنجاه کتاب از فارسی به عربی ترجمه کرده است. گفته‌اند: یکی از شاگردان او، ابن انباری (م ۳۲۸م) ۵۱، کتاب

۳۹. اققان، ج ۳، ص ۱۱۷-۱۱۸ [مفصل ۵۱].

۴۰. طبری، تفسیر، ج ۱۴، ص ۱۶۲.

۴۱. شافعی، کتاب جماع العلم، در همو، الام، ج ۷، ص ۲۷۷/۹؛ ترجمه بر اساس دومی صورت گرفته که تصحیح بهتری دارد؛ سیوطی، اققان، ج ۱، ص ۱۶؛ قس همان، ۲۹/۴ [مفصل ۶۵] ابن عادل، لباب، ج ۱۲، ص ۱۴۰-۱۴۱، در تفسیر آیه ۸۱ سوره نحل وی اضافه می‌کند: اجماع، قیاس، خبر واحد و غیره.

42. Yahia, Contribution, 310.

43. Yahia, Contribution, 365.

۴۴. بیهقی، مناقب، ج ۱، ص ۱۳۶؛ زرقانی، مناہل، ج ۱، ص ۲۶؛ گزارشی ملخص بدون استناد که اوایل آن معتبر به نظر نمی‌رسد: «علوم قرآن متعدد است ...»

۴۵. ابن خلکان، وفيات، ج ۵، ص ۲۵۵؛ Abbott, Studies, 2/100.

۴۶. علوم القرآن عند المفسرين، ج ۱، ص ۱۰.

۴۷. زرقانی، ج ۱، ص ۲۷.

۴۸. همان، ج ۱، ص ۲۸.

۴۹. ابوبکر محمد بن خلف محوکی بغدادی آجری؛ مراجعه شود به: سمعانی، الانساب، ج ۵، ص ۲۲۱؛

Brockelmann, GAL, S, 1/125, S, 1/189-190.

۵۰. ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۴۹؛ ابن ندیم - دودگه، ص ۳۲۸؛ یا قوت، الاشراف، ج ۶، ص ۲۶۴۵، ش ۱۱۱۵؛ محمد بن مرزبان ابوالعباس دیمیرتی، یادیمیرتی؛ ذہبی، سیر، ج ۱۴، ص ۲۶۴؛ داودی، طبقات، ج ۲، ص ۱۴۱، ش ۴۸۶؛ صبحی صالح، ص ۱۲۲.

۵۱. مراجعه شود به:

Brockelmann, GAL, 1/119, S, 2/182; Sezgin, 8/148, 9/144-147.

شامل سی وجه و منسوب به یکی از عالمان «اقدم» است که سیوطی آن را نقل کرده است.<sup>۴۹</sup>

آیه وَتَزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ [نحل: ۸۹] در ایجاد راهی برای ایجاد یا تثبیت «علوم قرآنی» نقشی قابل قیاس با احادیث «سبعة احرف» ایفا کرده است. مجاهد (م ۱۰۴) از مفسران متقدم این آیه را چنین تفسیر می‌کند: «[بیان کننده] آنچه حلال و حرام است». ۴۰ شافعی، یکی از نخستین نظریه پردازان اصول فقه می‌نویسد: «خداوند قرآن را روشنگر (تبیان) هر چیزی نازل کرده است و این تبیین، و جوهی دارد؛ یا اینکه صریحاً و جوب و احکام آن را بیان کرده؛ یا اینکه در مواردی آیاتی را اجمالی نازل کرده که در این صورت توضیح داده که تبیین چگونه باید انجام شود: (از طریق اقوال پیامبرش)؛ یا اینکه احکامی را مجمل نازل کرده و به اجتهاد در آن فرمان داده و علاماتی را خلق کرده است ...»<sup>۴۱</sup> به نظر شافعی «قرآن حاوی تمامی انواع بیان است». باید توجه داشت که «بیان» را نمی‌توان تنها با یک واژه ترجمه کرد زیرا «مظهر معانی الاهی است یعنی مقاصد خالق که آنها را با افعال مطلوبش یعنی احکام بیان می‌کند». ۴۲ «بیان، تجلی معناست». ۴۳

اما همین شافعی، معنای آیه ۸۹ از سوره نحل را با حدیث سبعة احرف و معانی برداشت شده از آن مرتبط ساخته و راه برای ظهور «علم و سپس علوم قرآن» گشوده است. این اتفاق در حدود سال ۱۸۹ هجری روی داد که وی در مقابل خلیفه هارون الرشید و در حضور حامی او محمد بن حسن شیبانی، فقیه مشهور حنفی، قرار داشت. خلیفه از شافعی درباره «علم» وی به کتاب خدا سؤال می‌کند و او پاسخ می‌دهد: درباره کدام علم می‌پرسی، ای امیر مؤمنان! علم تنزیل یا تأویل آن؟ محکم یا متشابه آن؟ ناسخ یا منسوخ آن؟ اخبار یا احکام آن؟ مکی یا مدنی آن؟ آنچه در شب یا روز نازل شده؟ در سفر یا در حضر؟ تبیین و صف آن؟ هماهنگی گونه‌های آن؟ نظائر آن؟ اعراب آن؟ وجوه قرائات آن؟ حروف آن؟ معانی لغات آن؟ حدود آن؟ تعداد آیات آن؟ هارون الرشید می‌گوید: «تو مدعی هستی که به قرآن علمی عظیم داری!»<sup>۴۴</sup>

این فهرست شافعی با فهرست مقاتل بن سلیمان بی ارتباط نیست؛ زیرا او تفسیر مقاتل را می‌شناخته و برای آن احترام



عجائب علوم القرآن<sup>۵۲</sup> را نوشت و در آن به موضوعاتی چون فضائل قرآن، نزول قرآن بر هفت حرف، کتابت مصاحف، و تعداد سوره‌ها و آیات و کلمات قرآن پرداخت. <sup>۵۳</sup> این عنوان در میان فهرست آثار او به چشم نمی‌خورد<sup>۵۴</sup>، اما نسخه‌ای احتمالی از این اثر موجود است که برای حصول اطمینان باید آن را به طور کامل بررسی کرد. از سوی دیگر به یقین او کتابی موسوم به المشکل فی معانی القرآن تألیف کرده که حاصل املاء وی طی چندین سال بوده و البته تنها تا سوره طه ادامه یافته است. <sup>۵۵</sup>

محمد بن بحر رُهَنی (زنده در اوایل قرن چهارم)<sup>۵۶</sup>، که متهم به گرایش افراطی شیعی است، مقدمه علم القرآن را نوشت که موجود نیست و در آن بر این نکته تأکید کرد که علی (ع) و اهل بیت تنها مراجع تفسیر قرآن اند. وی همچنین گفته است: در مصاحفی که عثمان به شهرهای بزرگ جهان اسلام فرستاد، قرائت برخی عبارات با هم اختلاف داشت.

رمانی اخشیدی (م ۳۸۴)، زبان‌شناس معتزلی، چندین کتاب درباره موضوعات مختلف قرآنی نوشت<sup>۵۷</sup> از جمله تفسیری مفصل بر قرآن که اجزاء ۷، ۱۰ و ۱۲ آن موجود است<sup>۵۸</sup>، یعنی الجامع فی علم (علوم) تفسیر القرآن. ظاهراً این کتاب همان التفسیر الکبیر او باشد<sup>۵۹</sup>.

در برخی منابع<sup>۶۰</sup> میان دو اثر ابوالحسن اشعری (م ۳۲۴)، یعنی المختزن، که کتابی است در علم کلام، و تفسیر القرآن (در ۵۰۰ جلد!)، که در آن به رد مخالفان معتزلی اش به ویژه ابوعلی جبائی و کعبی پرداخته، خلط شده است. ابن عربی مدعی است تنها یک نسخه (۱) از این اثر در قرن چهارم موجود بوده است که بنابر گزارش صاحب بن عبّاد (م ۳۸۵) برای انتقال آن به دارالخلافه ده هزار دینار پرداخت، اما این نسخه در آتش سوزی از بین رفت. <sup>۶۱</sup> ابن فورک (م ۴۰۶) به ما می‌گوید که نسخه‌هایی نادر از این تفسیر موجود است که بسیاری از اشاعره از آن‌ها بی‌خبرند. <sup>۶۲</sup>

در نیمه دوم قرن چهارم یا آغاز قرن پنجم، مفسر بزرگ خراسان، ابن حبیب نیشابوری (م ۴۰۶) که کرامی بود و سپس شافعی شد و کتاب با نام‌های التنبیه علی فضل علوم القرآن<sup>۶۳</sup> و کتاب التنزیل و ترتیبه نوشت که هر دو موجود است. <sup>۶۴</sup> شاگرد مشهور وی، مفسر نیشابوری، ابواسحاق ثعلبی (م ۴۲۷)، الکامل فی علم القرآن را نوشت. یکی از مهم‌ترین شاگردان او، ابوالحسن واحدی (م ۴۶۸)، این کتاب را بر ثعلبی قرائت کرده است. <sup>۶۵</sup> این سه کتاب در دست نیستند. <sup>۶۶</sup>

تألیفات ابن نیشابوریان احتمالاً در پی آثار کرامیان نیشابور صورت گرفته است. <sup>۶۷</sup> شاهی بر فعالیت گسترده کرامیان در

علوم قرآنی کتاب المبانی ابن بسطام<sup>۶۸</sup> است. این کتاب، که موضوعش علوم قرآنی است، در سال ۴۲۵ هجری به عنوان مقدمه‌ای بر تفسیر قرآن ابن بسطام تألیف شد. پیش‌تر ما این کتاب را به اشتباه به ابو محمد احمد بن محمد بن علی عاصمی نسبت داده بودیم<sup>۶۹</sup>، اما اخیراً انتساب صحیح آن به طور قطعی تعیین شده است. <sup>۷۰</sup> این سنت کرامی در علوم قرآنی سابقه‌ای دیرینه دارد و به شیخ بزرگ کرامی نیشابور، حکیم بن هیصم نبی (م ۴۰۹)، مؤلف اثری با نام کتاب اعجاز القرآن، بازمی‌گردد<sup>۷۱</sup>

۵۲. مراجعه شود به:

Sezgin, 9/147, 4; نسخه اسکندریه: 4.

۵۳. صالح، مباحث فی علوم القرآن، ص ۱۲۲.

۵۴. ابن انباری، ظاهر، ج ۱، ص ۲۱-۲۷.

55. Sezgin, 8/153.

۵۶. یاقوت، الارشاد، ج ۶، ص ۲۴۳۴-۲۴۳۶، ش ۱۰۰۴؛

Kohlberg, Ibn Tawus, no. 441

۵۷. قطعی، انباه، ص ۲۹۵.

۵۸. جزء ۱۲ دارای ۱۵۰ برگ و شامل تفسیر آیات ابراهیم: ۱۷ تا کهف: ۲۷ است!

59. Sezgin, 8/112-113, 270;

برای هر دو مراجعه شود به: مبارک، رمانی، ۹۳-۹۹.

۶۰. ابن عربی، قانون، ص ۱۱۹؛ همو، عواصم، ص ۹۷-۹۸.

61. Gimaret, Bibliography d' Ash'ari, 255-6, 260-2.

۶۲. ابن فورک، مجرد، ص ۱۶۵، ۳۲۵.

۶۳. نام این کتاب در فهرست آثارش نیست؛ اما سیوطی (انتقان، ج ۱، ص ۲۶) از آن نقل قول کرده است.

64. Saleh, Formation, 45-47, 88.

۶۵. یاقوت، ارشاد، ۴ / ۱۶۶۳؛

Gilliot, Exegese, 140; Saleh, Formation, 51.

۶۶. ظاهراً مؤلف مقاله در این جا دچار سهو شده است. وی با آنکه دو سطر بیشتر نوشته که دو کتاب ابن حبیب موجود است که البته همین نکته نیز محل تأمل است در اینجا می‌نویسد که این سه کتاب در دست نیست. (مترجم).

۶۷. درباره وجود چهارده گانه تفسیری ثعلبی مراجعه شود به:

Saleh, Formation, 87-8.

۶۸. ابو محمد حامد بن احمد بن جعفر بن بسطام طحیری یا طحیری (؟).

مراجعه شود به: صریفینی، منتخب، ص ۲۱۱، ش ۶۳۸؛

Gilliot, Sciences coraniques, 19-20, 59.

69. Gilliot, Theologie musulmane, 183.

۷۰. انصاری، ملاحظاتی، ص ۸۰.

71. Van Ess, Ungenutzte Texte, 60-74.

فقیه و قاضی شافعی و متکلم اشعری اهل بغداد<sup>۸۲</sup>، شیذکه ابوالمعالی عزیزی/ عزیزی بن عبدالملک جیلی (م ۴۹۴)<sup>۸۴</sup>، کتابی با نام البرهان فی مشکلات القرآن نوشت. سیوطی<sup>۸۵</sup> این کتاب را در میان گروهی از دست‌نامه‌های علوم قرآنی قرار داده که به نحو جامعی موضوعات مربوط را پوشش نداده‌اند. زرکشی<sup>۸۶</sup> نیز به ویژه در بحث اعجاز قرآن به این کتاب استناد کرده است.

در قرن ششم عالم شافعی اهل مرو رود خراسان، زاغولی محمد بن حسین آرزوی (م ۵۵۹)، گفته‌اند که اثری در چهار صد جلد موسوم به قیدالاولاد تألیف کرد که دائرةالمعارفی است عظیم درباره علوم تفسیر، حدیث، فقه و زبان. این اثر موجود نیست.<sup>۸۷</sup> عالم جامع الاطراف بغدادی، ابن جوزی (م ۵۹۷) چندین کتاب در این باره تألیف کرد، از جمله عجائب علوم القرآن<sup>۸۸</sup> که تصحیح و منتشر شده است.<sup>۸۹</sup> عنوانی را که بروکلیمان<sup>۹۰</sup> ذکر کرده است. به استناد شنیده‌ها، اندرابی این رساله را در سال ۴۲۹ استنساخ کرده است؛ این کتاب در ایران تصحیح شده اما نه بر اساس نسخه اندرابی. مراجعه شود به: انصاری، ملاحظاتی، ص ۶۹-۷۱. ۷۳. این نسخه در مشهد (مکتبه رضویه، نسخه ۱۲۴۰۵) با علامت وقف اندرابی موجود است.

74. Van Ess, Ungenutzte Texte, 73-74.

۷۵. حاجی خلیفه، کشف، ج ۲، ص ۴۶-۴۷، ش ۱۷۹۴ و ج ۱، ص ۲۴۱؛ یاقوت، ارشاد، ج ۴، ص ۱۳۴۳-۴، ش ۷۱۳؛ زرکشی، برهان، ج ۱، ص ۳۰۱؛ ج ۳، ص ۲۲۲؛

Brockelmann, GAL, 2/411.

۷۶. بقاعی، نظم؛ درباره رابطه بین سوره‌ها: سیوطی، تناسب.

77. Silvestre de Sacy, Muqni, 307.

۷۸. برهان، ج ۱، ص ۳۰۱.

۷۹. زرقانی، مناهل، ج ۱، ص ۲۷-۲۸؛ به نوشته زرقانی نام اصلی کتاب حوفی البرهان فی علوم القرآن است.

۸۰. یاقوت، ارشاد، ص ۲۱۶۶، ۲۱۷۰؛ حاجی خلیفه، کشف، ج ۲، ص ۸۲، ش ۲۰۱۲.

81. Brockelmann, S, 1/504.

۸۲. البته اگر انتساب این کتاب به جرجانی صحیح باشد؛ حاجی خلیفه (ج ۳، ص ۲۲۲، ش ۵۰۴۳) در این باره تردیدی کرده است.

۸۳. وی اصالتاً گیلانی بود که برای یک عالم اشعری امری قابل توجه است.

۸۴. ابن خلکان، وفيات، ج ۳، ص ۲۵۹-۲۶۰؛

Brockelmann, 1/433; S, 1/755

۸۵. انقان، ج ۱، ص ۳۱-۳۲، ۱۷۷-۱۸۱.

۸۶. برهان، ج ۲، ص ۹۰؛ ج ۳، ص ۲۷۵.

۸۷. ذمی، سیر، ج ۲، ص ۴۹۲-۴۹۳؛ 450/2؛ Ahlwardt, 1, no. 450/2؛ حاجی خلیفه، کشف، ج ۴، ص ۵۹۰، ش ۹۶۸۸؛ چهار جلد آورده‌امادر چاپ بالتقایا، ج ۲، ص ۱۳۶۷؛ چهار صد جلد آمده است.

۸۸. علوجی، مؤلفات، ش ۳۲۴؛ 30؛ Brockelmann, 1/504, op.

89. Gilliot, Textes Arabes, in MIDEO, 19, no. 29.

90. Brockelmann, op.32.

کتاب، که از جمله عناصر مهمی است که بازگشت آن به خود ابن کرام (م ۲۵۵) است، چنان که در کتاب الايضاح نوشته کرامی دیگری یعنی احمد بن ابی عمر زاهد اندرابی (م ۴۷۰)، شاگرد ابن بسطام، می‌توان دید. اندرابی همچنین پنج کتاب یا رساله درباره علوم قرآنی متعلق به میراث کرامی نظیر قواعد القرآن<sup>۷۲</sup> را در نسخه‌ای به خط خودش گردآورده است.<sup>۷۳</sup> ابوبکر عتیق بن محمد سورآبادی (م ۴۹۴)<sup>۷۴</sup>، پیشوای کرامیان نیشابور در دوران خود، تفسیری بر قرآن دارد که تصحیح شده است. نسخه‌های متعددی از تألیفات کرامی در زمینه علوم قرآنی در اختیار است که بیشتر آنها در کتابخانه‌های ایران نگهداری می‌شود.

باقلائی (م ۴۰۳) عالم مالکی و اشعری که ابتدا در بصره و بعدها در بغداد می‌زیست، اعجاز القرآن را تألیف کرد. او همچنین [ذکت] الانتصار لنقل القرآن را نوشت که شامل مطالب فراوانی درباره علوم قرآنی است از جمله: نام‌های قرآن، سوره، آیه، انتقال و ترتیب قرآن، رد شیعیان و دیگران نسبت به آن، احرف سبعة، زبان و سبک قرآن، آیات شیطانی، جمع قرآن، قرائات مختلف و قراء سبعة.

نحوی و مفسر مصری، ابوالحسن علی بن ابراهیم حوفی (م ۴۳۰)، تفسیری سی جلدی بر قرآن نوشت با نام البرهان فی تفسیر القرآن. ۷۵ حدود پانزده جلد از این تفسیر موجود است. این تفسیر به ترتیب سوره‌های قرآن است، اما زیربخش‌هایی مطابق با علوم قرآنی دارد: ساختار آیه و معنای آن در سیاق (نظم)<sup>۷۶</sup>، نکات نحوی و لغوی، یا اعراب.<sup>۷۷</sup> زرکشی (م ۷۹۴)<sup>۷۸</sup> این کتاب را در شمار بهترین کتاب‌های راجع به این موضوع قرار می‌دهد. در این تفسیر علاوه بر معنا و تفسیر آیه، مسائل مرتبط با وقف و اتمام، قرائات، احکام فقهی (در صورت لزوم)، اسباب نزول، نسخ و غیره طرح شده است.<sup>۷۹</sup>

در قرن پنجم، ادیب و شاعر، ابو عامر فضل بن اسماعیل تیمیمی جرجانی (م بعد از ۴۵۸)، البیان فی علم/ علوم القرآن را نوشت.<sup>۸۰</sup> این کتاب احتمالاً تفسیری با تأکید ویژه بر جنبه‌های لغوی و ادبی بوده است، نظیر درج الدرر<sup>۸۱</sup> نوشته عبدالقاهر جرجانی (م ۴۷۱)، عالم فقه‌اللغه و بلاغی معاصر او.<sup>۸۲</sup>



کرده یعنی المجتبی فی علوم القرآن و در یک جلد موجود است، نه تنها شامل علوم قرآنی (نظیر قرائات) است بلکه مطالب دیگری چون حدیث و نظایر آن را شامل است.<sup>۹۱</sup> ابن جوزی خود این کتاب را با نام المجتبی من المجتبی تلخیص کرده است.<sup>۹۲</sup> سومین اثر ابن جوزی، المدهش، که به المدهش و المحاضرات نیز معروف است، در سال ۵۹۱ تألیف شد. فصل اول این کتاب (ص ۲-۲۲) به برخی مباحث قرآنی اختصاص دارد و سپس در چهار فصل دیگر مطالبی مرتبط با زبان، حدیث، تاریخ نگاری و نیز مطالبی همچون داستان های پیامبران آمده است.<sup>۹۳</sup> اما کتابی که بیش از همه به گونه آثار جامع علوم قرآنی در سده های بعدی نظیر تألیفات زرکشی و سیوطی نزدیک است، فنون الافنان فی عجائب علوم القرآن ابن جوزی است.<sup>۹۴</sup> این کتاب با عناوین دیگری چون فن الافنان فی علوم القرآن نیز موجود است. گفتنی است ارتباط بین اولین و سومین این سه اثر ابن جوزی را بر اساس محتوای نسخه های مختلف خطی آن دو باید بررسی کرد. دست آخر، باید توجه داشت که ابن جوزی همانند عالمان دیگر، کتاب های جداگانه ای نیز درباره علوم مختلف قرآنی نوشته است.<sup>۹۵</sup>

در قرن هفتم دست کم دو دست نامه درباره علوم قرآن تألیف شد: جمال القراء و کمال الاقراء<sup>۹۶</sup> نوشته علم الدین سخاوی (م ۶۴۳). این کتاب به ده فصل تقسیم شده است: سوره ها و آیات قرآن، اعجاز آن، فضائل آن، تقسیمات آن، تعداد آیات آن، قرائات شاذ، نسخ، قاریان و قرائات، تجوید، وقف و ابتدا. این کتاب یکی از منابع دست نامه ای دیگر با نام المرشد الوجیز إلی علوم تتعلق بالکتاب العزیز<sup>۹۷</sup> نوشته مورخ دمشقی، ابوشامه مقدسی (م ۶۶۵) بوده است. این اثر دارای شش فصل است: نزول، تدوین، احرف سبعة، قرائات مشهور، قرائات شاذ و علوم سودمند قرآن.

در قرن هشتم کامل ترین دست نامه علوم قرآنی تا آن روز به نگارش درآمد: البرهان فی علوم القرآن نوشته عالم مصری، بدرالدین زرکشی (م ۷۹۴). این کتاب در چهل و هفت فصل سامان یافته است.<sup>۹۸</sup>

کتاب عالم اندلسی، ابن جزئی کلبی غرناطی (م ۷۴۱) با عنوان التسهیل لعلوم التنزیل، یک تفسیر است اما مقدمه ای مفصل درباره علوم قرآنی دارد.<sup>۹۹</sup> کتاب دیگر الدرالمصون فی علوم / علم الکتاب المکنون نوشته سمین / ابن سمین حلبی (م ۷۵۶) که در شش جلد تصحیح و منتشر شده، در واقع تفسیری است منحصر در توضیحات صرفی و نحوی و لغوی همراه با شواهد و استنادات متعدد شعری.<sup>۱۰۰</sup>

در قرن نهم که می توان آن را قرن دست نامه های بزرگ علوم قرآنی نامید، این گونه از تألیفات رونق گرفت. در این قرن مؤلف یکی از لغت نامه های مشهور عربی (القاموس)، یعنی فیروزآبادی (م ۸۱۷)، تفسیرش بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز را می نویسد. پس از آن مواقع العلوم فی موقع النجوم عالم مصری جلال الدین عبدالرحمن بلقینی (م ۸۴۲) به نگارش درمی آید.<sup>۱۰۱</sup> عنوان این کتاب از مفهوم نزول / تنزیل که از اصطلاحات به کار رفته برای مفهوم اسلامی وحی است، الهام گرفته شده است. کتاب بلقینی به همراه اثر زرکشی یکی از منابع متعدد الاتقان سیوطی است. سیوطی، شاگرد علم الدین بلقینی، برادر کوچک جلال الدین بلقینی، بود.<sup>۱۰۲</sup>

عالم حنفی اهل برغمه و مقیم قاهره، محمد بن سلیمان کافجی (م ۸۷۹)<sup>۱۰۳</sup> یکی از استادان سیوطی، در سال ۸۵۶ تألیف دست نامه ای کوچک با نام التیسیر فی قواعد التفسیر را به پایان رساند. گفته می شود «وی به کتابش بسیار مباحثات می کرده و به گمانش کسی پیش از او کتابی به این خوبی نداشته است. اما او احتمالاً البرهان زرکشی را ندیده بود و الا از این

۹۱. علوجی، مؤلفات، ش ۳۸۳.

۹۲. علوجی، مؤلفات، ش ۳۸۴؛ Brockelmann, S, 1/918, sub op. 32.

۹۳. حاجی خلیفه، کشف، ج ۵، ص ۴۷۷، ش ۱۱۷۰۴، ج ۲، ص ۱۶۴۰،

علوجی، ش ۳۲۹، Brockelmann, 1/506, op. 81.

۹۴. علوجی، ش ۱۶۷؛ Brockelmann, 1/504, S, 1/918.

۹۵. به ادامه مقاله مراجعه شود؛ همچنین فیسان، آثار الحنابلة، ص ۹۴-۹۹.

96. Gilliot, Textes Arabes, in MIDEO, 19, no. 24.

۹۷. حاجی خلیفه، کشف، ج ۵، ص ۴۹۴، ش ۱۱۸۰۱.

98. Brockelmann, 2/91-2; S, 2/18, op. 20; Anawati, Textes Arabes, in MIDEO 4, no. 108; 15 in MIDEO 6.

99. op. cit., 1/4-29.

۱۰۰. حاجی خلیفه، کشف، ج ۳، ص ۱۹۰، ش ۴۸۷۰؛

Brockelmann, 2/137-8, op. 1

101. Brockelmann, 2/112, S, 2/13.

۱۰۲. حاجی خلیفه، کشف، ج ۶، ص ۲۳۲-۲۳۴، ش ۱۳۳۵۱؛ سیوطی،

اتقان، ج ۱، ص ۱۷-۱۸ با نقل مقدمه بلقینی؛ تحبیر، ص ۲۷-۲۸.

103. Brockelmann, 2/144, op. 1.

کار را با کتاب خودش نوح القلوب انجام داده است. بخش هایی از این کتاب درباره پیامبر و صحابه است که هیچ ارتباطی با علوم قرآنی ندارد و باقی آن شامل رساله ای کوچک درباره تعابیر ویژه قرآنی مرتبط با علم کلام، به ترتیب سوره هاست<sup>۱۱۱</sup> که ابوطاهر سلفی (م ۵۷۶) آن را در سال ۵۷۲ روایت کرده است. این رساله در واقع همان لغة القرآن منسوب به ابن عباس است که از طریق وزان برای سلفی روایت شده است.<sup>۱۱۲</sup> ابن عراق مجموعه اش را با بیاناتی صوفیانه درباره یک صد عبارت قرآنی، برگرفته از آغاز تفسیر قرآن ابوالعباس بونی (م ۶۲۲) پایان داده است.

ابوالخیر طاشکوپری زاده (م ۹۶۸) در مفتاح السعادة و مصباح السيادة فی موضوعات العلوم که شرح حال کتاب شناسی دائرة المعارف گونه ای درباره طبقه بندی علوم است، فصل ششم (جلد دوم) را به علوم شرعی یعنی قرآن، حدیث و فقه اختصاص داده و در آن به علوم قرآنی توجه ویژه ای کرده است: تفسیر قرآن خصوصاً کتاب های تألیف شده در این حوزه<sup>۱۱۴</sup>؛ شاخه های قرائات (فروع القرائات)<sup>۱۱۵</sup>؛ فروع التفسیر<sup>۱۱۶</sup>. این توجه ویژه بدان معناست که به نظر وی بیشتر علوم قرآنی بر تفسیر متمرکز است. دیگرانی این علوم را جز بخش هایی که ناظر به معانی و تفسیر آیات قرآن است، مطالعاتی درباره قرآن می دانند.<sup>۱۱۷</sup>

نگارش دست نامه های علوم قرآنی در سده های بعدی نیز تا به امروز ادامه یافته است. برخی از این ها عبارتند از: محاسن التأویل نوشته جمال الدین قاسمی (م ۱۹۱۴) که تفسیری بر قرآن است و مطالب فراوانی را درباره علوم قرآنی

گفته اش [شمرنده می شد].<sup>۱۱۳</sup> این کتاب شامل دو فصل است: ۱. اصطلاحات علوم قرآنی مورد نیاز برای تفسیر؛ ۲. قواعد تفسیر و مسائل گوناگون مرتبط با آن.

عالم جامع الاطراف مصری، جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱) موفق شد کامل ترین دست نامه علوم قرآنی را تألیف کند. سیوطی با خواندن کتاب استادش، کافجی دلسرد شد. سپس مواقع بلقینی را به توصیه برادر مؤلف کتاب یعنی استادش علم الدین بلقینی مطالعه کرد و آن را اثری پراطلاع و خوش ساختار یافت، اما به نظرش آمد که این کتاب نیازمند آن است که با مجموعه ای از نکات مهم تکمیل شود و از نو سامان یابد. بنابراین در سال ۸۷۲ التخبیر فی علم التفسیر<sup>۱۰۵</sup> را در قالب ۱۰۲ فصل نوشت. <sup>۱۰۶</sup> سیوطی که هنوز راضی نشده بود، تصمیم گرفت کاری بهتر انجام دهد و کتابی جامع بنویسد. در این هنگام وی با البرهان زرکشی آشنا شد که او را بسیار خرسند کرد و بر آن شد که این کتاب را به گونه ای مناسب تر ساماندهی کند و فصول و مطالبی را به آن بیفزاید. این امر به تألیف الاتقان فی علوم القرآن انجامید.<sup>۱۰۷</sup> سیوطی نگارش این کتاب را در هشتاد فصل و به عنوان مقدمه تفسیرش مجمع البحرین و مطلع البدرین که پیش تر آغاز کرده بود در سال ۸۷۸ به پایان رساند.<sup>۱۰۸</sup> با وجود حجم کمتر البرهان، مطالبی در آن هست که در الاتقان نیست. سیوطی پیش از الاتقان، معتزک الاقران فی إعجاز القرآن را درباره ابعاد بلاغی و سبک شناختی قرآن نوشته بود که اگرچه شامل همه علوم قرآنی نیست، چندین فصل مشترک با الاتقان دارد.<sup>۱۰۹</sup>

صوفی شافعی اهل دمشق ابن عراق محمد بن احمد بن عبدالرحمن (م ۹۳۳)، کتابی منتخب گونه را در ۱۳۸ جزء با نام جوهره الغواص و تحفة أهل الاختصاص<sup>۱۱۰</sup> شامل موضوعات علوم قرآنی، پیامبر، قصص، صحابه و نکات عرفانی تألیف کرد. وی در این کتاب رساله فی علم المواعظ ابن جوزی را در قالب چهار فصل رونویسی کرده است: علوم قرآنی، قرآن و فقه اللغة، علوم حدیث و تاریخ نگاری. او همچنین کتاب رد معانی الايات المتشابهات یا رد المتشابه الی المحکم نوشته لَبَّانِ مِصری (م ۷۴۹) را رونویسی کرده است. در ادامه وی همین

۱۰۴. حاجی خلیفه، کشف، ج ۲، ص ۴۸۷، ش ۳۸۱۳.

۱۰۵. گاهی از آن با نام التخبیر یاد می شود؛ حاجی خلیفه، کشف، ج ۲، ص ۲۴۸، ش ۲۷۲۹.

۱۰۶. سیوطی، اتقان، ج ۱، ص ۱۶-۲۳.

۱۰۷. اتقان، ج ۱، ص ۲۳-۳۱.

۱۰۸. Brockelmann, 2/144; S, 2/179, op. I. 1. 108. اتقان: Ahlwardt, Verzeichnis, I, no. 423.

۱۰۹. برای نمونه این فصول از اتقان/معتزک الاقران با هم مقایسه شود: ۲۲-۲۷/۱۰/۳۷-۳۸/۱۳/۴۳/۴۴/۱۱/۴۵/۱۴/۴۸/۷/۵۵/۱۲/۶۰/۶۰/۶۲/۶۳/۶۴/۶۵/۶۶/۶۷/۶۸/۳۰.

110. Brockelmann, 2/332, op I; Ahlwardt, I, no. 427.

۱۱۱. صفحات ۱۴ تا ۳۰.

۱۱۲. بقاعی، کتاب لغة القرآن، ص ۱۳۷-۱۳۸؛ Rippin, Ibn Abbas, 19.

113. Brockelmann, 1/497-8.

۱۱۴. ج ۲، ص ۶۲-۱۲۸.

۱۱۵. ج ۲، ص ۳۶۹-۳۷۷.

۱۱۶. ج ۲، ص ۳۸۰-۵۹۵.

۱۱۷. علوم القرآن عند المفسرین، ج ۱، ص ۹.



در بردارد؛ تبیان الفرقان فی علوم القرآن طاهر جزائری اهل دمشق؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن نوشته محمد عبدالعظیم زُرْقانی، از علمای الازهر در نیمه نخست قرن بیستم، که در ۱۹۴۳ منتشر شد و برخی محققان از آن به عنوان یک منبع بهره می‌برند، هر چند فاقد ارجاعات است؛ منهج الفرقان فی علوم القرآن نوشته م. ع. سلامة؛ فی علوم القرائات نوشته س. ر. طویل. و اخیراً مجموعه‌ای بدون نویسنده با عنوان علوم القرآن عندالمفسرین در سه جلد و نیز التمهید فی علوم القرآن نوشته آیت الله محمد هادی معرفت منتشر شده است.

همچنین باید توجه داشت که چندین مفسر مقدمه‌هایی بر تفاسیرشان نوشته‌اند که شامل جنبه‌های گوناگون علوم قرآنی است ۱۱۸ که از آن جمله‌اند: طبری (م ۳۱۰) ۱۱۹، ثعلبی (م ۴۲۷) ۱۲۰، طوسی (م ۴۶۰) ۱۲۱، راغب اصفهانی (م احتمالاً ۵۰۲) ۱۲۲، ابن عطیة اندلسی (م ۵۴۱) ۱۲۳، شهرستانی (م ۵۴۸) ۱۲۴، طبرسی (م ۵۴۸) ۱۲۵، قرطبی (م ۶۷۱) ۱۲۶، نظام الدین حسن بن محمد بن حسین نیشابوری اعرج (م بعد ۷۳۰) ۱۲۷، ابن جزئی (م ۷۴۱) ۱۲۸، ابوحیان غرناطی (م ۷۴۵) ۱۲۹، ابن کثیر (م ۷۷۴) ۱۳۰، بقاعی (م ۸۸۵) ۱۳۱، محمود آلوسی (م ۱۸۵۴ میلادی) ۱۳۲ و دیگران. اما گروهی از عالمان به نگارش مقدمه‌ای کلی بدون بررسی دقیق و کافی منابع قرآنی بسنده کرده‌اند و برخی دیگر نظیر ماتریدی (م ۳۳۳) ۱۳۳ و ابواللیث سمرقندی (م ۳۷۳) ۱۳۴ صفحات اندکی را به بحث درباره ضرورت تفسیر یا همچون ماوردی (م ۴۵۰) ۱۳۵ به سخن گفتن از نام‌های قرآن، سوره، سبعة احرف، اعجاز و تفسیر اختصاص داده‌اند.

همچنین باید گفت که بسیاری از جوامع حدیث بخشی با نام کتاب التفسیر دارند؛ نظیر آثار سعید بن منصور خراسانی (م ۲۲۷) ۱۳۶، بخاری (م ۲۵۶) ۱۳۷، ابن حجر ۱۳۸، مسلم ۱۳۹، نسائی (م ۳۰۳) ۱۴۰، حاکم نیشابوری (م ۴۰۵) ۱۴۱ و دیگران. تعدادی از این جوامع همچنین بخشی با عنوان فضائل القرآن دارند از جمله آثار سعید بن منصور ۱۴۲، ابن ابی شیبه (م ۲۳۵) ۱۴۳، بخاری ۱۴۴، ابن حجر ۱۴۵، مسلم ۱۴۶ و نسائی ۱۴۷.

#### مروری بر علوم قرآنی بر اساس اتقان سیوطی

طبیعتاً پیش از تألیف و تدوین دست‌نامه‌های جامع علوم قرآنی، آثاری مستقل درباره‌ی هر یک از این علوم وجود داشت. اما هنوز پژوهشی جامع، چه به زبان عربی و چه به زبان‌های دیگر، درباره‌ی تکوین و گسترش هیچ‌یک از این به اصطلاح «علوم یا رشته‌های قرآنی» در اختیار نداریم. در اینجا تلاش ما بر آن است

که ضمن عرضه‌ی نقشه‌ی این موضوع بر اساس فصول اتقان سیوطی، مروری گذرا و تاریخی بر کتاب‌های تألیف شده در

۱۱۸. علوم القرآن عند المفسرین، ج ۱، ص ۱۲.
۱۱۹. تفسیر، ج ۱، ص ۱۱۰-۳؛ ترجمه انگلیسی، ج ۱، ص ۵-۵۱.
۱۲۰. کشف، ج ۱، ص ۷۳-۸۷.
۱۲۱. تبیان، ج ۱، ص ۱-۲۱.
۱۲۲. مقدمه جامع التفاسیر، ص ۲۷-۱۰۹.
۱۲۳. محرر، ج ۱، ص ۳۳-۵۷؛ جفری، مقدمتان، ص ۲۵۱-۲۹۴.
۱۲۴. مفاتیح الاسرار، ج ۱، ص الف ۲۷-ب؛ Monnot, Introduction.
۱۲۵. مجمع، ج ۱، ص ۱۷-۳۴.
۱۲۶. جامع، ج ۱، ص ۱-۱۰۷.
۱۲۷. تفسیر، ج ۱، ص ۱-۴۸؛ Gilliot, Exegese, 142-3 با استناد به پژوهش‌های مونو.
۱۲۸. تسهیل، ج ۱، ص ۴-۲۹.
۱۲۹. بحر، ج ۱، ص ۳-۱۴، منابع، استادان و علوم تفسیر.
۱۳۰. فضائل، کتابی مستقل و نیز در برخی نسخه‌ها بخشی از تفسیر او (در هر صورت، فضائل، ص ۳-۴؛ و شاید در برخی تصحیح‌ها)؛ به هر حال، مقدمه تفسیر (ج ۱، ص ۱۱-۱۸) با آنچه در فضائل آمده متفاوت است.
۱۳۱. مصاعد، ج ۱، ص ۹۷-۴۷۸.
۱۳۲. روح، ج ۱، ص ۲۲-۸۵.
۱۳۳. تأویلات، چاپ جبوری، ص ۵-۶؛ چاپ ونلی اوغلو، ج ۱، ص ۳-۴ درباره تفسیر و تأویل.
۱۳۴. تفسیر، ج ۱، ص ۷۱-۱۱۳.
۱۳۵. نکت، ج ۱، ص ۲۳-۴۳.
۱۳۶. در سنن، ص ۲-۴، ناسوره مائده.
۱۳۷. در صحیح، ج ۳، ص ۱۹۳-۳۹۰ [کتاب ۶۵]؛ ترجمه فرانسه: ج ۳، ص ۲۴۹-۵۱۹.
۱۳۸. در فتح، ج ۸، ص ۱۵۵-۷۴۴.
۱۳۹. صحیح، ج ۴، ص ۲۳۱۲-۲۳۲۳ [کتاب ۵۴].
۱۴۰. در سنن، ج ۶، ص ۲۸۲-۵۲۶ [کتاب ۸۲].
۱۴۱. در مستدرک، ج ۲، ص ۲۲۰-۵۴۱.
۱۴۲. در سنن، ج ۱، ص ۷-۲۲۲. این کتاب یکی از منابع سیوطی در اتقان (ج ۱، ص ۴۸) است.
۱۴۳. در مصنف، ج ۶، ص ۱۱۷-۱۵۶ [کتاب ۲۲].
۱۴۴. در صحیح، ج ۴، ص ۳۹۱-۴۱۰ [کتاب ۶۶]؛ ترجمه فرانسه: ج ۳، ص ۵۲۰-۵۴۳.
۱۴۵. در فتح، ج ۹، ص ۳-۱۰۳.
۱۴۶. در صحیح، ج ۴، ص ۵۴۳-۵۶۶، در کتاب ۶ بحث نماز مسافر.
۱۴۷. در سنن، ج ۵، ص ۳-۲۴ [کتاب ۷۵]؛ یا در کتابی مستقل نظیر مستدرک حاکم نیشابوری (ج ۲، ص ۲۲۰-۲۵۷ یعنی ابتدای کتاب التفسیر).

هیچکس دیگری پیش از پیامبر نازل نشده بود.  
۱۶. کیفیت نزول قرآن. ۱۵۷

### دوم. ویرایش قرآن

۱۷. نام های قرآن ۱۵۸ و سوره ها ۱۵۹. شَیْذَکَه ابوالمعالی عزیززی (م ۴۹۴) در البرهان فی مشکلات القرآن گفته است که قرآن پنجاه و پنج نام دارد. ۱۶۰  
۱۸. جمع ۱۶۱ و ترتیب ۱۶۲ قرآن.  
۱۹. تعداد سوره ها و آیات ۱۶۳ و کلمات و حروف قرآن.

### سوم. انتقال قرآن

۲۰. حافظان ۱۶۴ و راویان قرآن.  
۲۱-۲۷. اوصاف آسناد گوناگونی که از طریق آنها قرائات مختلف قرآنی روایت شده است: ۱۶۵  
۱۴۸. از کتاب *Itqan and its sources* نوشته نولین باید با احتیاط استفاده کرد زیرا اشتباهات زیادی از جمله در اعلام و عناوین دارد.  
149. Gilliot, Le Coran, fruit d'un travail collectif?  
۱۵۰. علوم القرآن عند المفسرين، ج ۱، ص ۳۰۳-۳۲۰.  
151. Brockelmann, 1/451-2, op. 3; Ahlwardt, I, no. 466-7.  
۱۵۲. اتقان، ج ۱، ص ۳۶.  
۱۵۳. ناگل در *Einschube* بر مبنای کتاب بی عنوان ابن عبدالکافی (م بعد از ۴۰۰) این کار را کرده است.  
۱۵۴. حاجی خلیفه، کشف، ج ۱، ص ۷۵، ش ۴۳۵۸.  
۱۵۵. سیوطی، اتقان، ج ۱، ص ۱۷۷؛ Sezgin, 1/108.  
۱۵۶. مراجعه شود به مقدمه مصحح در ابن حجر، عجاب، ج ۱، ص ۸۰؛ به همراه فهرستی از بیست و دو عنوان کتاب در این موضوع (ج ۱)، ص ۸۰-۸۴).

157. Suyuti-Balhan, 30-88.

۱۵۸. علوم القرآن عند المفسرين، ج ۱، ص ۲۱-۵۲.  
۱۵۹. علوم القرآن عند المفسرين، ج ۱، ص ۳۲۱-۳۲۴.  
۱۶۰. اتقان، ج ۱، ص ۱۷۸-۱۸۱.  
۱۶۱. علوم القرآن عند المفسرين، ج ۱، ص ۲۳۵-۴۱۲؛ درباره زیدین ثابت مراجعه شود به:

Gilliot, Le Coran, fruit d'un travail collectif?, 195-9;

درباره جمع قرآن و مسئله تحریف آن از منظری شیعی مراجعه شود به: امین، دائرة المعارف، ج ۹، ص ۱۲۲-۱۲۸.

162. Gilliot, Traditions.

163. Pretzl, Koranlesung, 239-41;

برای هر دو موضوع مراجعه شود به: Noldeke, 3/237-8 (آیات)؛ امین، دائرة المعارف، ج ۹، ص ۱۲۳ الف (۶۲۳۶ آیه).

164. Gilliot, Traditions.

۱۶۵. درباره قرائات، قاریان و کتاب ها: Noldeke, 3/116-231؛ نیز: Pretzl, 17-47, 230-245؛ درباره کتاب ها: حاجی خلیفه، کشف، ج ۴، ص ۵۰۶-۸.

زمینه برخی از این رشته ها داشته باشیم. ۱۴۸. فصول هشتاد گانه اتقان را می توان به نه گروه تقسیم کرد.

### یکم. مکان و نحوه نزول قرآن ۱۴۹

۱. در مکه یا مدینه. ۱۵۰. عزالدین دیرینی (م ۶۹۷) ۱۵۱ شعری در سی و سه بیت، فی ترتیب نزول القرآن العظیم، درباره ترتیب سوره ها بر اساس محل نزول شان سروده است. درباره این موضوع عالم مالکی، مکی بن ابی طالب قیسی قیروانی اندلسی (م ۴۳۷) نیز تألیفی دارد اما سیوطی ۱۵۲ نام آن را ذکر نمی کند. الحاق آیات مدنی به سوره های مکی در همین رشته بررسی شده است. ۱۵۳.  
۲. در سفر یا حضر (یا زمان جنگ)؛ ۱۵۴  
۳. در روز یا شب؛  
۴. در تابستان یا زمستان؛  
۵. در خواب یا بیداری؛  
۶. در زمین یا آسمان؛  
۷. اولین آیات نازل شده به ترتیب تاریخی، چه به طور آن چه در یک موضوع خاص؛  
۸. آخرین آیات نازل شده؛  
۹. اسباب نزول. گفته می شود نخستین کتاب در این موضوع را علی بن مدینی (م ۲۶۴) نوشته است؛ ۱۵۵ اما التفصیل لاسباب التنزیل منسوب به میمون بن مهران (م ۱۱۷) به صورت نسخه خطی موجود است ۱۵۶. این نسخه احتمالاً بعدها بر مبنای مطالبی برگرفته از وی بازسازی شده است.  
۱۰. آیاتی که با گفته های برخی از صحابه منطبق شد؛  
۱۱. آیاتی که مکرراً نازل شد؛  
۱۲. آیات فقهی که مدتی بعد از نزول آنها به حکم شان عمل شد و آیاتی که مدتی بعد از عمل به حکم آنها نازل شد؛  
۱۳. سوره هایی که آیات شان به صورت پراکنده یا یک جا نازل شد؛  
۱۴. آیات یا سوره هایی که تنها از طریق جبرئیل یا با مشایعت فرشتگان دیگر نازل شد؛  
۱۵. آیاتی که قبلاً بر پیامبران دیگر نازل شده بود یا بر

درباره قرائات و قاریان: مهدوی (م بعد از ۴۳۰)، بیان (توجیه قرائات مختلف)؛ اندرابی (م ۴۷۰)، قرائات؛ درباره قرائات رایج هفت گانه: ابن مجاهد (م ۳۲۴)، سبعة؛ ابن خالویه (م ۳۷۰)، حجة؛ ابومنصور ازهری (م ۳۷۰)، معانی القرائات؛ ابوعلی فارسی (م ۳۷۷)، حجة؛ ابوالطیب بن غلبون (م ۳۸۹)، استکمال؛ ابن شریح رُعینی اشبیلی (م ۴۷۶)، الکافی؛ ابن سوار بغدادی (م ۴۹۶)، مستنیر؛ ابن بازش غرناطی (م ۵۴۰) ۱۶۶، اقتناع، که ابوحيان غرناطی تکریم شایانی از آن کرده است. ۱۶۷

درباره هشت قاری ۱۶۸ یعنی قاریان رسمی هفت گانه (قراء سبعة) و یعقوب بن اسحاق حضرمی (م ۲۰۵): ابن غلبون (۳۹۹م) ۱۶۹، و جیز، ۶۳-۱۷۰۷۶؛ ابومعشر طبری (م ۴۷۸)، تلخیص؛ درباره قرائات ده گانه: ابوبکر بن مهران (م ۳۸۱)، غایة؛ همو، مبسوط، که شرحی است بر اثر مفصل ترش، الشامل فی القرائات العشر (مفقود)؛ مکی بن ابی طالب، تبصرة؛ ابوالعز واسطی قلانسی (م ۵۲۱) ۱۷۱، ارشاد؛ ابن جزری (م ۸۳۳)، نشر، ۱/ ۲-۱۹۲، به همراه فهرستی از کتاب های راجع به قرائات به طور کلی.

#### درباره قرائات چهارده گانه و اسناد آنها:

بناء دمیاطی (م ۱۱۱۷)، اتحاف. ۱۷۲ درست است که در بیشتر تفاسیر قرآن قرائات بسیاری نقل می شود، اما این کار را بیش از همه نحوی بزرگ اندلسی، ابوحيان غرناطی (م ۷۴۵) انجام داده است. ۱۷۳

درباره اختلاف در رسم الخط بین مصحف اصطلاحاً عثمانی و دیگر مصاحف، این آثار را در اختیار داریم: ابن ابی داود (م ۳۱۶)، مصاحف؛ ابن انباری، مرسوم الخط؛ همو، المصاحف ۱۷۴؛ همو، الرد علی من خالف مصحف عثمان ۱۷۵؛ ابن آشته (م ۳۶۰)، المصاحف ۱۷۶؛ ابوالعباس مهدوی، هجاء؛ ابن بناء عددی مراکشی (م ۷۲۱)، عنوان؛ فرماوی، رسم المصحف؛ قنوجی، ابجد؛ حمد، رسم المصحف.

#### چهارم. تجوید قرآن

برای آگاهی از همه صورت های تلفظ ۱۷۷ این دو اثر موجود است: دانی (م ۴۴۴)، تیسیر ۱۷۸؛ مکی بن ابی طالب، رعایة. ۲۸. وقف و ابتدا/ ائتلاف ۱۷۹؛ ۲۹. بیان آنچه [نسبت به مابیش] در لفظ متصل و در معنا منفصل است؛

۳۰. اماله؛ ۱۸۰

۳۱-۳۳. پدیده ای دیگر مرتبط با تلفظ؛ ۱۸۱

۳۳-۳۵. درباره حفظ و آموزش تلاوت و تجوید. ۱۸۲

#### پنجم. جنبه های زبان شناختی قرآن:

۳۶. واژه های غیر رایج یا نادر یا واژه هایی که در سیاق های خاص معنای ویژه ای دارند که همه آنها «غریب» نامیده می شوند. ۱۸۳ فهرست های شامل این واژگان در دوره های نخستین گرد آمد یا اینکه به عالمان آن زمان منسوب است. ۱۸۴ فهرستی از هشتاد و پنج تألیف که هر چند شامل برخی از معانی القرآن ها نیز هست گردآوری شده است. ۱۸۵ در سال های

۱۶۶. بازش نه بازش: Pretzl, Koranselung, 28-9, no 11.

۱۶۷. بحر، ج ۱، سطر ۱۱-۱۲.

۱۶۸. برای نام ها و طرق روایی آنها مراجعه شود به:

Gilliot, Textes, in MIDEO, 25-6, no. 78.

۱۶۹. طاهر، پسر ابن غلبون پیش گفته.

170. Kohlberg, Medieval Muslim, no 643.

171. Pretzl, Koranselung, 40, no 28.

۱۷۲. ج ۱، ص ۷۵-۷۹؛ مراجعه شود به: خطیب، معجم القرائات؛ محیصن، قرائات (برای اثر قرائات بر صرف ونحو و لغت عربی)؛

Hamdan, Koranselung; id., Nichtcanonische Lesarten; Gilli-

ot, Elt, 135-64.

۱۷۳. خان، لهجات (پژوهشی درباره این تفسیر).

174. Sezgin, 9/147, op. 7;

این کتاب یکی از منابع سیوطی است مثلاً در اتقان، ج ۲، ص ۳۲۰.

۱۷۵. سیوطی، اتقان، ۲/ ۳۲۲؛ Sezgin, 9/147, op. 6;

۱۷۶. موجود نیست؛ یکی از منابع سیوطی است در: اتقان، فصل ۱۸، ۱/ ۲۰۵؛

فصل ۴۱، ۲/ ۳۲۳-۳۲۴، ۳۲۷-۳۲۹.

۱۷۷. حمد، دراسات صوتیة؛ Silvestre de Sacy, Alcoran, 76-110.

۱۷۸. تلخیص آن در این منبع موجود است: Pretzl, Koranselung, 291-331.

۱۷۹. «المقاطع و المبادی» نیز نامیده می شود که عنوان کتاب مفقود

ابن مهران است؛

Noldeke, 3/234-7; Pretzl, Koranselung, 234-8; Silvestre de Sacy,

repos de voix; id, Pauses.

180. Noldeke, 3/197, 37Y Pretzl, koranselung, 318-26; Grunert, Imala.

181. Pretzl, Koranselung, 293-318.

182. Noldeke, 3/231-4; Pretzl, Koranselung, 232-4, 290-1.

۱۸۳. حاجی خلیفه، کشف، ج ۴، ص ۳۲۲-۳۲۳: علم غریب القرآن و

الحدیث.

184. Rippin, Ibn Abbas's Gharib al-Qur'an; id, Ibn Abbas's al-Lughat

fi l-Qur'an; Neuwirth, Der Koran, 125-6.

۱۸۵. مرعشلی، مقدمه مکی بن ابی طالب، عمدة، ص ۱۹-۳۷.

گفته می شود فطرب نحوی کتابی در این باره نوشته است؛ این کتاب احتمالاً همان کتاب قطرب فیما سأل عنه الملحدون من آئی القرآن باشد. ۱۹۳ ابن قتیبه (م ۲۷۶) نیز کتابی با نام تأویل مشکل القرآن تألیف کرد؛

۴۹. مطلق و مقید؛

۵۰. منطوق و مفهوم.

کتاب هایی ویژه درباره مضامین فقهی یا تفسیر آیات فقهی قرآن با نام عمومی احکام القرآن تألیف شده است. کتاب زیر را باید به فهرست ما ۱۹۴ افزود: ابن فرس غرناطی (م ۵۹۹)، احکام القرآن. ۱۹۵

هفتم. جنبه های بلاغی و سبک شناختی و اصحاز قرآن.  
(فصول ۵۱-۶۴)

### هشتم. جنبه های مختلف

(دوباره) سبک شناسی، نام های خاص در قرآن، فضائل قرآن، کتابت قرآن و مانند آن.

۶۵. علوم برگرفته از قرآن؛

۶۶. امثال قرآن. ماوردی (م ۴۵۰) این مسائل را در الامثال والحکم گردآورده است؛ ۱۹۶

۶۷. سوگندهای قرآن؛

۶۸. جدل قرآن: به نوشته سیوطی سلیمان عبدالقوی طوفی (م ۷۱۶) کتابی در این زمینه تألیف کرده است؛

۶۹. نام های خاص در قرآن؛

۷۰. شخصیت های مبهم در قرآن ۱۹۷: سهیلی (م ۵۸۱)،

۱۸۶. سیوطی، اتقان، ج ۲، ص ۶۷-۱۰۵؛ مسائل نافع بن ازرق؛  
Neuwirth, Die Masa'il; gilliot, Textes, in MIDEO 23 [1997],  
no. 44. (همراه با کتاب شناسی)

۱۸۷. عمیره و سید، معجم الادوات و الضمائر فی القرآن؛ شریف، معجم  
حروف المعانی و القرآن.

188. Gilliot, Elt, 165-203.

۱۸۹. ص، ۶۱-۶۴.

۱۹۰. ج ۵، ص ۳۷۰، ش ۱۱۳۵۰-۱۱۳۵۱.

۱۹۱. ج ۳، ص ۱۱-۱۶۵.

۱۹۲. کشف، ج ۵، ص ۵۵۹-۵۶۰، ش ۱۲۰۹۳-۱۲۰۹۶.

193. Sezgin, 8/95.

194. Gilliot, Exegesis, 113-114.

۱۹۵. سیوطی، اتقان، ج ۱، ص ۴۹، ۵۴ و غیره؛

Brockelmann, S, 1/734

۱۹۶. همچنین مراجعه شود به: ابن عربی، قانون، ص ۲۶۱-۲۹۶.

۱۹۷. حاجی خلیفه، کشف، ج ۵، ص ۳۶۷، ش ۱۱۳۴۲-۱۱۳۴۳.

نخستین اسلامی مجموعه لغات اشعار کهن عرب برای توضیح واژگان قرآن به کار می رفت. شاهدی بر این مدعا، اثری است منسوب به ابن عباس در پاسخ به نافع بن ازرق خارجی که به صورت های مختلفی گردآوری شده است. ۱۸۶

۲۷. کلماتی از قرآن که به لهجه غیر حجازی است؛

۲۸. کلماتی از قرآن که به زبان غیر عربی است؛

۲۹. وجوه و نظائر. ذیل این عنوان باید انواع معجم های الفبایی را فهرست کرد، از جمله: مقاتل، اشباه؛ هارون بن موسی (م ۱۷۰)، وجوه؛ یحیی بن سلام (م ۲۰۰)، تصاریف؛ دامغانی، وجوه؛ ابن جوزی، ذهه؛ سمین، عمده (یکی از بهترین ها در این گونه).

۴۰. ادواتی که مفسر به آنها نیازمند است. ۱۸۷

۴۱. اعراب قرآن. برخی از کتاب های مرتبط با این موضوع که سیوطی ذکر کرده، عبارتند از: مکی (م ۴۳۷)، مشکل؛ حوفی (م ۴۳۰) که کتابی ده جلدی در این باره دارد؛ ابوالبقاء عکبری (م ۶۱۶)، تبیان؛ سمین حللی (م ۷۵۶)، در، که به اعراب سمین نیز معروف است؛ تفسیر ابو حیان غرناطی (بحر)، که شامل مطالب فراوانی در زمینه اعراب است.

۴۲. قواعد ناظر به ریخت شناسی قرآن ۱۸۸ نظیر ضمائر، تذکیر و تانیث، ترادف غلط، افراد و جمع، سؤال و جواب، و نظایر اینها.

### ششم. جنبه های فقهی قرآن

۴۳. محکم و متشابه: کسائی (م ۱۸۹)، متشابه؛ خطیب اسکافی (م ۴۲۱)، درة التنزیل؛ کرمانی (م حدود ۵۰۰)، برهان، که فهرستی از کتاب های مرتبط با این موضوع در آن آمده است ۱۸۹؛ حاجی خلیفه، کشف ۱۹۰؛ علوم القرآن عند المفسرین. ۱۹۱

۴۴. مقدم و مؤخر؛

۴۵. عام و خاص؛

۴۶. مجمل و مبین؛

۴۷. ناسخ و منسوخ؛

۴۸. آیات مشکل ۱۹۲ و موهم اختلاف و تعارض در قرآن.

تعریف؛ ابن عسکر<sup>۱۹۸</sup> از اهالی مألّفه (۶۳۶م)، تکمیل؛ سیوطی، مّفحّمات. در نمونه های متعددی این رشته با اسباب نزول مرتبط است؛

۷۱. نام های کسانی که آیاتی از قرآن درباره آنها نازل شده است. ۱۹۹

کتاب های متعددی در این زمینه به ویژه درباره علی (ع)، امامان پس از وی و خاندان پیامبر نوشته شده است. ۲۰۰ اما کشف معنای تعبیر مبهم و ناشناخته برای یافتن مراد آنها (تعیین المبهم/ تسمیة) در آیات «مثبت» و «منفی» نیز در کانون توجه تفاسیر متقدم شیعی بوده است که اولی ناظر به آیات مرتبط با خاندان پیامبر و دومی دال بر آیات مرتبط با دشمنان آنها نظیر ابوبکر، عمر و عائشه است؛ نظیر آیه حجر: ۲۰۱۴۴؛ همچنین واژه ها و عباراتی که در مصحف عثمانی نیست، از این قبیل است. ۲۰۲

۷۲. فضائل قرآن؛

۷۳. بهترین های قرآن و اسباب آن [افضل و فاضل قرآن]. ۲۰۳

این مسأله محل اختلاف میان عالمان است: اشعری، ابن حبان (م ۳۵۴)، باقلانی و احتمالاً پیش از اینها مالک بن انس (م ۱۷۹) و دیگران این موضوع را پذیرفته اند. به اعتقاد آنها چون قرآن، کلام خداست، هر آنچه در آن است، عالی و بی نظیر است. در مقابل، برخی دیگر به این موضوع پرداخته اند از جمله: اسحاق بن راهویه (م ۲۳۸)، غزالی<sup>۲۰۴</sup>، ابوبکر بن عربی<sup>۲۰۵</sup> و دیگران.

۷۴. مفردات (آیات منتخب) قرآن. این فصل با فصل قبلی مرتبط است، اما به جای سخن گفتن از «بهترین آیات»، از عبارات یا آیاتی بحث می کند که به دلایل مختلفی امیدبخش ترین است.

۷۵. خواص پیش گیرانه و شفابخشانه قرآن. بر اساس آنچه در اتقان آمده، تمیمی یک کتاب خواص القرآن نوشته است. او طیب و از اهالی بیت المقدس و معروف به ابو عبدالله تمیمی (متوفی ریع چهارم قرن چهارم) بود. ۲۰۶ غزالی نیز کتابی در اینباره تألیف کرد: کتاب الذهب الابریز فی اسرار خواص کتاب الله العزیز. ۲۰۷

۷۶. رسم الخط و آداب نگارش قرآن. سیوطی از میان تألیفات این موضوع به این موارد اشاره می کند: رساله های دانی درباره رسم الخط (مقنع) ۲۰۸ و نقط ۲۰۹؛ ابن وکیف اشبیلی (م ۶۵۴)، جامع؛ ابن بناء مرآکشی، عنوان. ۲۱۰

#### نهم. تفسیر و مفسران (فصول ۷۷-۸۰) ۲۱۱

مفسر متقدم یحیی بن سلام (م ۲۰۰) دوازده خصلت لازم را برای مفسر فهرست کرده است یعنی شناخت مکی و مدنی، ناسخ و منسوخ، تقدیم و تأخیر، مقطوع و موصل ۲۱۲، عام

و خاص، اضممار و زبان عربی (شناخت تخصصی این زبان). ۲۱۳

می توان گفت برهان زرکشی و اتقان سیوطی نتیجه و محصول قرن ها قرآن پژوهی مسلمانان است. این دو کتاب، به ویژه اتقان، همچنان تا به امروز برای کسانی که دست نامه های جدید در علوم قرآنی به زبان عربی می نویسند (مانند قطان، مباحث که فهرستی ملخّص از اتقان است و تاحدی صالح، مباحث) منابع اصلی علوم قرآنی به شمار می آیند.

#### نکات پایانی

تأکید بر این نکته ضروری است که نویسندگان متعددی آثار فراوانی در زمینه علوم مختلف قرآنی نوشته اند. مثلاً قاری و نحوی کوفی، کسائی (م ۱۸۹)، مؤلف بیش از ده کتاب درباره

۱۹۸. عبارات ذکر شده در: سیوطی، اتقان، ۴/ ۹۳ و سیوطی، مّفحّمات، ۷، باید تصحیح شود؛ در هر دوی اینها به غلط «ابن عساکر» آمده است. ۱۹۹. مراجعه شود به: فصل های ۷۰ و ۹.

200. Kohlberg, Medieval, no. 83, 107-8, 149, 488, 623.

201. Bar-Asher, Scripture, 100-10; Amir Moezzi, Guide,

217-20; Amir Moezzi and Jambet, 91-3.

۲۰۲. برای آیات مثبت و منفی: بقره: ۲۲۵؛ نساء: ۶۳، ۶۵-۶۶؛ طه: ۱۱۵؛ احزاب: ۷۱؛ شوری: ۱۳؛

Amir Moezzi and Jambet, 92-3.

۲۰۳. حاجی خلیفه، کشف، ج ۱، ص ۲۷۳، ش ۱۰۲۲.

۲۰۴. جواهر، ص ۳۷-۳۸.

۲۰۵. قانون، ص ۲۳۰-۲۴۰.

۲۰۶. حاجی خلیفه، کشف، ج ۳، ص ۱۸۰، ش ۴۸۱۸؛ منافع خواص القرآن: 2، 3/18, op. Sezgin.

207. Bouyges, Chronologie, 127-8, no. 199.

208. Silvestre de Sacy, Muqni.

209. Silvestre de Sacy, Memoire, 320-49; id, Traite de punctuation; id, De differents traites.

۲۱۰. مراجعه شود به بالا: فصول ۲۱-۲۷.

۲۱۱. مراجعه شود به: Gilliot, Exegesis؛ درباره تأویل در شیعه: Amir Moezzi and Jambet, 139-74؛ علوم القرآن عند المفسرین؛ ترجمه

فرانسه بخش هایی از چند تفسیر در: Borrmans, Commentaire.

۲۱۲. مراجعه شود به: سیوطی، اتقان، فصل ۲۹.

۲۱۳. ابن ابی زینب (م ۳۳۹)، تفسیر، ج ۱، ص ۱۱۴.

۴. جمع قرآن، عباراتی که با رسم الخط مصحف اصطلاحاً عثمانی و مصاحف مختلف مغایرت دارد؛
۵. مسائل زبان شناختی؛
۶. سوره های مکی و مدنی؛
۷. قاریان؛
۸. تفسیر قرآن؛

۹. رسم الخط قرآن؛ و غیره. ۲۲۲ در کتاب های دیگر درباره تاریخ متن قرآن یا هیچ مطلبی نیامده یا مطالب اندکی ذکر شده اما بیشتر درباره فضائل مترتب بر تلاوت و استماع قرآن و «پرداختن»<sup>۲۲۳</sup> به آن سخن گفته شده است نظیر فضائل فریابی. در تنظیم جامع حدیثی ابن حبیبان (م ۳۵۴) به دست ابن بلبان فارسی (م ۷۲۹)، فصل مرتبط با قرائت قرآن، که بخشی از کتاب الرقائق را تشکیل می دهد، در واقع معادل بخش فضائل است. ۲۲۴

به نوشته فرانتس روزنتال، طی سده های گذشته در میان مسلمانان این گرایش وجود داشته است که در حوزه علم «کنارهم گذاشتن دانسته های جزئی جداگانه بر عرضه آنها به صورت یکپارچه و پیوسته» ترجیح داده شود. به بیان او «همچنین می توان پذیرفت که گرایشی روزافزون به افزایش دائمی تعداد آنچه رشته های مستقل علمی به شمار می آید وجود داشته است»<sup>۲۲۵</sup> تا آنجا که این تعداد به ۱۵۰ یا حتی ۳۱۶ می رسد. ۲۲۶ این وضعیت عمومی علوم درباره علوم قرآن البته

214. Sezgin, 9/130-1.

215. Sezgin, 9/133.

۲۱۶. مراجعه شود به مقدمه عثیمین بر اعراب القرائات، ج ۱، ص ۶۲-۸۵.

۲۱۷. مکی، عمدة، چاپ مرعشلی، ص ۵۰-۵۴.

۲۱۸. درباره تلاوت مراجعه شود به مقدمه تصحیح مکتفی، ص ۳۵-۴۲؛ مقدمه نقت، ص ۱۵-۱۹ که تمامی ۲۸ کتاب را فهرست می کند.

۲۱۹. مقدمه بر وجیز، ص ۳۱-۳۷.

۲۲۰. فهرست ابن رجب، علوجی، مؤلفات، ص ۲۰-۲۸ که در کتابش ۵۷۴ عنوان را ذکر می کند، که بسیاری از آنها در واقع یک کتاب است با عناوین مختلف.

۲۲۱. علوجی، مؤلفات، ص ۲۶۹-۲۷۰، ابن جوزی، فنون، ۹-۱۱، مقدمه تصحیح.

۲۲۲. مراجعه شود به فضائل ابو عبید و ابن کثیر و همچنین در حد کمتری فضائل رازی و مورد ابن رجب.

۲۲۳. تعاهد؛ مراجعه شود به: ابن ابی شیبه، مصنف [کتاب ۲۲، فضائل، فصل ۱۳]، ج ۶، ص ۱۲۴ تعاهد القرآن.

۲۲۴. ابن حبان، صحیح [کتاب ۷، رقائت، فصل ۷، قرائات القرآن]، ج ۳، ص ۵-۸۳.

225. Knowledge, 44.

۲۲۶. طاشکویریزاده، مفتاح، ج ۱، ص ۷۴-۷۵.

فقہ اللغة قرآنی است. ۲۱۴ بخش هایی از معانی القرآن وی اخیراً گردآوری شده است. یکی از شاگردان او، نحوی و نویسنده معانی القرآن، فرآء (م ۲۰۷)، چندین کتاب دیگر درباره فقہ اللغة قرآن نوشته است. ۲۱۵ ابن خالویه (م ۳۷۰) حدود پنجاه کتاب تألیف کرده که پنج مورد آن در حوزه علوم قرآنی است. ۲۱۶ مکی بن ابی طالب (م ۴۳۷) حدود یکصد کتاب نوشته که شصت و هفت مورد آن مرتبط با علوم قرآنی است. این تعداد شامل بیست و پنج کتاب درباره قرائات، تفسیری در هفتاد جزء (الهدایة فی بلوغ النهایة)، کتابی دیگر در پانزده مجلد (مشکل المعانی والتفسیر)، کتابی درباره رعایة، و چندین اثر درباره وقف است. ۲۱۷ از میان بیش از چهل کتابی که ابو عمرو دانی (م ۴۴۴) نوشته است، بیست و نه مورد درباره علوم قرآنی است که از میان آنها پانزده مورد درباره قرائات یا قاریان است و کتاب های دیگر درباره فقہ اللغة قرآنی مانند الادغام الکبیر و تحدید<sup>۲۱۸</sup>. اهوازی (م ۴۴۶) حدود سی کتاب تألیف کرده است<sup>۲۱۹</sup> که شانزده مورد آن درباره قرائات و قاریان است. ابن جوزی (م ۵۹۷) بیش از دویست کتاب نوشته است<sup>۲۲۰</sup> که بیست و هشت مورد آن راجع به علوم قرآنی است: دو مورد درباره نسخ، یکی درباره اسباب نزول، یکی درباره قرائات سبعة، یکی درباره وجوه و نظائر (یعنی نزهة)، دو تا درباره واژگان غریب و چندتا درباره تفسیر (زاد، المغنی، تیسیر البیان)<sup>۲۲۱</sup>.

در این مقاله چندین بار به «گونه» معروف به فضائل القرآن اشاره شد. این عنوان اغلب برای کتاب ها یا فصولی از جوامع معتبر حدیثی به کار می رود که شامل احادیث نبوی یا اقوال صحابه و گفته های عالمان دو قرن نخست هجری یا بعد از آن است. برخی از این آثار دست نامه هایی کوچک درباره علوم قرآنی اند که فصل های آنها عموماً عبارتند از:

۱. تعلیم و تعلم و تلاوت قرآن؛
۲. کسانی که قرآن را می شناسند و تلاوت می کنند و مسائل مورد نیاز آنها؛
۳. سوره ها و آیات و فضائل مختص به تلاوت سوره های مختلف؛



صادق تر است؛ زیرا جزئی شدن و گسترش این علوم، از آن جهت که با رستگاری اخروی مرتبطاند، اهمیتی اساسی دارد. بنا بر حدیث نبوی «مؤمن به خیر [علم دین] نمی رسد مگر اینکه به بهشت وارد می شود»<sup>۲۲۷</sup> اما برخی از این رشته ها با زمینه های متعددی از علوم غیردینی نظیر صرف و نحو، لغت شناسی، سبک شناسی، بلاغت و نظایر این ها نیز در آمیخته اند که نزد بسیاری از محققان به رشته های جنبی مطالعات قرآنی بدل شده اند.

### کتاب شناسی

#### متون قدیم

۱. آجری، ابوبکر، اخلاق اهل القرآن، چاپ م.ع. عبداللطیف، بیروت ۱۴۰۷ / ۱۹۸۷ (چاپ اول: ۱۹۸۶).
۲. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ۱۷ جلد، چاپ ط. عبدالرؤف سعد، قاهره ۱۴۱۸ / ۱۹۹۷.
۳. ابن ابی داوود سجستانی، کتاب المصاحف، در: جفری، (مطالبی برای تاریخ متن قرآن: کتاب المصاحف ابن ابی داوود سجستانی به همراه مجموعه ای از قرائات مختلف از مصحف ابن مسعود و دیگران)، لیدن ۱۹۳۷.
۴. ابن ابی زینین، تفسیر، چاپ ا.ح. ابن عکاشه و م.م. کتز، ۵ جلد، قاهره ۱۴۲۳ / ۲۰۰۲.
۵. ابن ابی شیبه، ابوبکر، المصنف فی الاحادیث و الآثار، چاپ م.ع. شاهین، ۹ جلد، بیروت ۱۴۱۶ / ۱۹۹۵.
۶. ابن انباری، الظاهر فی معانی کلمات الناس، چاپ ح. ص. ضامن، جلد ۱، بغداد ۱۹۷۹.
۷. \_\_\_\_\_، کتاب ایضاح الوقف و الابتداء لکتاب الله عزوجل، چاپ م. رمضان، دمشق ۱۹۷۱.
۸. \_\_\_\_\_، مرسوم الخط، چاپ ا.ع. عرشی، دهلی نو ۱۹۷۷.
۹. ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن حسن، الخصال، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۱۰ / ۱۹۹۰.
۱۰. ابن بادیش، ابوجعفر، الاقتناع فی القرائات السبع، چاپ ع. قَطَامَش، ۲ جلد، مکه، ۱۴۲۲ / ۲۰۰۱ (چاپ اول: ۱۴۰۳ / ۱۹۸۳).
۱۱. ابن بناء عددی مراکشی، عنوان الدلیل من مرسوم خط التنزیل، چاپ ه. شکلی، بیروت ۱۹۹۰.
۱۲. ابن تیمیه، تقی الدین احمد بن عبدالحلیم، مقدمة فی اصول التفسیر، چاپ ع. زرزور، بیروت ۱۹۷۹ (چاپ اول: ۱۹۷۱).

۱۳. ابن جزری، شمس الدین محمد بن محمد، کتاب النشر فی القرائات العشر، چاپ علی محمد ضبّاع، ۲ جلد، قاهره ۱۹۴۰ (چاپ مجدد: بیروت بی تا).
۱۴. ابن جزری، کلبی غرناطی، التسهیل لعلوم التنزیل، چاپ ع. یونس و ا.ع. عوض، ۴ جلد در یک مجلد، قاهره ۱۹۷۶ (چاپ مجدد: بیروت ۱۹۷۳).
۱۵. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، نزهة الاعین النواظر فی علم الوجوه و النظائر، چاپ محمد عبدالکریم کاظم راضی، بیروت ۱۴۰۴ / ۱۹۸۴.
۱۶. \_\_\_\_\_، المدهش، چاپ م.ت. سماوی، بغداد ۱۳۸۴ / ۱۹۲۹ (چاپ مجدد: بیروت بی تا)؛ چاپ ف.ف. جندی، ریاض ۲۰۰۲.
۱۷. \_\_\_\_\_، زاد المسیر فی علم التفسیر، با مقدمه محمد زهیر شاویش، ۹ جلد، دمشق ۱۳۸۴-۱۳۸۵ / ۱۹۶۴-۱۹۶۵؛ با تعلیقات احمد شمس الدین، ۸ جلد، بیروت ۱۴۱۴ / ۱۹۹۴.
۱۸. \_\_\_\_\_، عجائب علوم القرآن، چاپ ع. عاشور، قاهره ۱۹۸۶.
۱۹. \_\_\_\_\_، فنون/فن الافنان فی عیون علوم القرآن، چاپ ا. شرفاوی، و ا. مراکشی، ریاض ۱۹۷۰.
۲۰. ابن حبان، ابوبکر محمد، صحیح، ترتیب علاء الدین علی بن بلبان فارسی، چاپ ش. ارزووط، ۱۸ جلد، بیروت ۱۹۸۴-۱۹۹۱.
۲۱. ابن حجر عسقلانی، العجائب فی بیان الاسباب، چاپ ع.م. انیس، ۲ جلد، دمام، ۱۴۱۸ / ۱۹۹۷، ج ۱، ص ۶ به بعد.
۲۲. \_\_\_\_\_، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، چاپ ع. ب.ع. باز، شماره گذاری احادیث به پیروی از محمد فؤاد عبدالباقی، زیر نظر محب الدین خطیب، ۱۳ جلد، به اضافه مقدمه، قاهره ۱۳۹۰ / ۱۹۷۰ (چاپ مجدد: بیروت بی تا).

۲۲۷. ترمذی، صحیح، [۴۲، علم، ۱۹]، ج ۵، ص ۵۰-۵۱، ش ۲۶۸۶؛ Rosenthal, Knowledge, 89

- بیروت/دمشق ۱۴۱۸ / ۱۹۹۷.
۳۷. ابن غلبون، ابوالطیب عبدالمنعم، الاستكمال لبيان ما يأتي في كتاب الله في مذهب القراء السبعة، چاپ ع. بحیری ابراهیم، قاهره ۱۴۱۲ / ۱۹۹۱.
۳۸. ابن غلبون، طاهر، التذكرة في القراءات الثمان، چاپ ا. ر. سويد، جده ۱۹۹۱.
۳۹. ابن فورك، مجرد مقالات الشيخ ابي الحسن الاشعري (من املاء الشيخ الامام ابي بكر محمد بن حسن بن فورك)، چاپ دانييل زيماره، بيروت ۱۹۸۷.
۴۰. ابن قتيبه، ابو محمد عبدالله بن مسلم، تفسير غريب القرآن، چاپ سيد احمد صقر، قاهره ۱۹۵۸؛ بيروت ۱۹۷۸.
۴۱. \_\_\_\_\_، تأويل مشكل القرآن، چاپ سيد احمد صقر، قاهره ۱۹۷۳؛ مدينه ۱۹۸۱.
۴۲. ابن كثير، عماد الدين اسماعيل بن عمر، فضائل القرآن، بيروت ۱۹۷۹؛ چاپ ا. حويني اثير، قاهره و جده ۱۴۱۶ / ۱۹۹۶.
۴۳. \_\_\_\_\_، تفسير القرآن العظيم، چاپ عبدالعزيز غنيم و ديكران، ۸ جلد، قاهره ۱۳۹۰ / ۱۹۷۱؛ ۴ جلد، قاهره بی تا. (چاپ مجدد: بيروت ۱۹۸۰).
۴۴. ابن مجاهد، ابوبكر احمد بن موسى، كتاب السبعة في القراءات، چاپ شوقي ضيف، قاهره ۱۹۷۹.
۴۵. ابن مهران، ابوبكر، الغاية في القراءات العشر، چاپ م. غ. جنباز، رياض ۱۴۱۱ / ۱۹۹۰ (چاپ اول: ۱۹۸۵).
۴۶. ابن مهران، المبسوط في القراءات العشر، چاپ س. ه. حاكمي، دمشق ۱۴۰۷ / ۱۹۸۶.
۴۷. ابن نديم، محمد بن اسحاق، كتاب الفهرست، چاپ گ. فلوگل، ۲ جلد، ليزيك، ۱۸۷۱-۱۸۷۲؛ و ترجمه آن از ب. دودگه، ۲ جلد، نيويورك/لندن ۱۹۷۰.
۴۸. ابن نقيب، ابو عبدالله محمد بن سليمان، مقدمة التفسير في علوم البيان و المعاني و البديع و اعجاز القرآن، چاپ زكريا سعيد علي، قاهره ۱۴۱۵ / ۱۹۹۵.
۴۹. ابن وثيق اشبيلي، الجامع لما يحتاج اليه من رسم المصحف، چاپ غ. قدوري حمد، بغداد ۱۹۸۸.
۵۰. ابوشامة، عبدالرحمن بن اسماعيل، كتاب المرشد الوجيز الى علوم تتعلق بالكتاب العزيز، چاپ طيار آلتى كولاج/ و. م. طباطبائي، كويت ۱۹۹۳ (چاپ دوم).
۵۱. ابوحيان غرناطي، تفسير البحر المحيط، ۸ جلد، قاهره ۱۳۲۸-۱۳۲۹ / ۱۹۱۱.
۵۲. ابو عبيد قاسم بن سلام، فضائل القرآن، چاپ وهبي
۲۳. ابن خالويه، ابو عبدالله حسين بن احمد، الحجة في القراءات السبع، چاپ عبدالعالي سالم مكرم، بيروت ۱۹۷۱.
۲۴. \_\_\_\_\_، اعراب القراءات السبع و عللها، چاپ عبدالرحمن بن سليمان عثيمين، ۲ جلد، قاهره ۱۴۱۳ / ۱۹۹۲.
۲۵. ابن خلكان، شمس الدين، وفيات الاعيان و ابناء ابناء الزمان، چاپ احسان عباس، ۸ جلد، بيروت ۱۹۶۸-۱۹۷۲.
۲۶. ابن رجب، ابوالفرج عبدالرحمن بن احمد، مجموعة رسائل الحافظ ابن رجب الحنبلي، چاپ ا. طلعت بن فؤاد حلواني، ۲ جلد، قاهره ۱۴۲۳ / ۲۰۰۲.
۲۷. \_\_\_\_\_، مورد الظمئان الى معرفة فضائل القرآن، چاپ ب. ع. بشري، قاهره ۱۹۹۰.
۲۸. ابن سوار بغدادی، المستتير في القراءات العشر، چاپ ج. م. شرف، طنطا ۲۰۰۲.
۲۹. ابن شريح رعيي اشبيلي، الكافي للقراءات السبع، چاپ ج. م. شرف، طنطا ۲۰۰۴.
۳۰. ابن ضريس، محمد بن ايوب، فضائل القرآن، چاپ غزوه بُدير، دمشق ۱۹۸۸.
۳۱. ابن عادل، سراج الدين عمر دمشقي حنبلي، اللباب في علوم الكتاب، چاپ ع. ا. عبدال موجود و ع. م. معوض، ۲۰ جلد، بيروت ۱۴۱۹ / ۱۹۹۸.
۳۲. ابن عباس (منسوب)، مسائل نافع بن ازرق عن عبدالله بن عباس (بازسازی ختلي، م ۳۶۵)، چاپ م. ا. دالي (نسخه ظاهره دمشق)، ليماسل ۱۴۱۲ / ۱۹۹۲.
۳۳. ابن عربي، محمد بن عبدالله ابوبكر، احكام القرآن، ويرايش دوم، قاهره ۱۳۹۲ / ۱۹۷۲.
۳۴. \_\_\_\_\_، قانون التأويل في علوم التنزيل، چاپ م. سليمان، بيروت ۱۹۹۰.
۳۵. \_\_\_\_\_، العواصم من القواصم (في تحقيق موقف الصحابة)، چاپ ع. طالبي، الجزيره ۱۹۸۱ (چاپ اول: ۱۹۷۴).
۳۶. ابن عسکر، محمد بن علي غسانی، التكميل و الاتمام لكتاب التعريف و الاعلام، چاپ حسن اسماعيل مروه،



- سليمان خاوجي / ا. ب. ع. خياطي، ٢ جلد، رباط ١٤١٥ / ١٩٩٥.
٥٣. ابواليث نصرين محمد بن احمد سمرقندي، بحر العلوم، چاپ علي محمد معوض و ديگران، ٣ جلد، بيروت ١٩٩٣ / ١٤١٣.
٥٤. ابو معشر قطان طبري، التلخيص في القراءات الثمان، چاپ م. ح. عقيل موسى، قاهره ٢٠٠١.
٥٥. ابومنصور ازهرى، معاني القراءات، چاپ ع. م. درويش و ع. ب. ح. فوزي، ٣ جلد، قاهره ١٩٩١-١٩٩٣.
٥٦. اندرابي، احمد بن ابى عمر، قراءات القراء المعروفين بروايات الرواة المشهورين، چاپ ا. ن. جنابى، بيروت ١٩٨٦ / ١٤٠٧ (چاپ سوم).
٥٧. اهوازي، ابو علي حسن بن علي مقرئ، الوجيز في شرح قراءات القراء الثمانية ائمة الامصار الخمسة، چاپ د. د. ه. احمد، بيروت ٢٠٠٢.
٥٨. باقلائي، ابوبكر محمد بن طيب، نكت الانتصار لنقل القرآن، چاپ محمد زغلول سلام، اسكندريه ١٩٧١.
٥٩. بخارى، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل، كتاب الجامع الصحيح، چاپ كرهل و يونبل، ٤ جلد، ليدن ١٨٦٢-١٩٠٨؛ [و ترجمه فرانسسه ...].
٦٠. بقاعى، برهان الدين ابراهيم بن عمر، نظم الدرر في تناسب الايات و السور، چاپ ع. غالب مهدي، ٨ جلد، بيروت ١٩٩٥ / ١٤١٥.
٦١. \_\_\_\_\_، مصاعد النظر للاشراف على مقاصد السور، چاپ عبدالسامع م. ش. حسين، ٣ جلد، رياض ١٤٠٨ / ١٩٨٧، ١ / ١٦١-٤٧٨: برخى از جنبه هاى علوم قرآنى.
٦٢. بناء دمياطى، اتحاف الفضلاء البشر بالقراءات الاربعه عشر، چاپ ش. م. اسماعيل، ٢ جلد، قاهره ١٤٠٧ / ١٩٨٧.
٦٣. بيهقى، ابوبكر احمد بن حسين، مناقب الشافعى، چاپ س. ا. صقر، ٢ جلد، بيروت ١٤١٠ / ١٩٩٠.
٦٤. ترمذى، ابو عيسى محمد بن عيسى، الجامع الصحيح، چاپ احمد محمد شاكر و ديگران، ٥ جلد، قاهره ١٩٣٧-١٩٦٥.
٦٥. ثعلبى، ابواسحاق احمد بن محمد، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، چاپ ا. م. ع. عاشور، ١٠ جلد، بيروت ٢٠٠٢.
٦٦. جصاص، ابوبكر احمد بن عبدالله، احكام القرآن، ٣

- جلد، استانبول ١٣٣٥-١٣٥٨ / ١٩١٦-١٩١٩.
٦٧. حاجى خليفه، مصطفى عبدالله، كشف الظنون، چاپ و ترجمه گ. فلورگل، ٧ جلد، ليزيك ١٨٣٥-١٨٥٨.
٦٨. حاكم نيشابورى ابن بيب، المستدرک على الصحيحين فى الحديث، چاپ م. عرب بن حسين و ديگران، حيدرآباد، ١٩١٥-١٩٢٣، چاپ مجددياىض بى تا.
٦٩. خطيب اسكافى، درة التنزيل و غرة التأويل فى بيان الايات المتشابهات فى كتاب الله العزيز، بيروت ١٩٧٧.
٧٠. خطيب بغدادى، ابوبكر احمد بن على، الفصل للوصل المدرج فى النقل، چاپ م. نصار، ٢ جلد، بيروت ١٤٢٤ / ٢٠٠٣.
٧١. دامغانى، حسين بن محمد، الوجوه و النظائر لالفاظ كتاب الله العزيز، چاپ محمد حسن ابو العظم زفيتى، ٢ جلد، قاهره ١٤١٢-١٤١٦ / ١٩٩٢-١٩٩٥.
٧٢. دانى، ابو عمرو عثمان بن سعيد، الادغام الكبير فى القرآن، چاپ ز. غ. زاهد، بيروت ١٩٩٣.
٧٣. \_\_\_\_\_، التحديد فى الاتقان و التسديد فى صنعة التجويد، چاپ ا. ع. فيومى، قاهره ١٩٩٣.
٧٤. \_\_\_\_\_، التعريف فى اختلاف الرواة عن نافع، چاپ راجى هاشمى، محمديه ١٤٠٣ / ١٩٨٢.
٧٥. \_\_\_\_\_، المحكم فى نطق المصاحف، چاپ عزت حسن، دمشق ١٣٧٩ / ١٩٦٠.
٧٦. \_\_\_\_\_، المقنع فى رسم مصاحف الامصار مع كتاب النقط، چاپ اتو پرتسل، ليزيك / استانبول ١٩٣٢.
٧٧. \_\_\_\_\_، المكتفى فى الوقف و الابتداء، چاپ ج. ز. مخلف، بغداد ١٤٠٣ / ١٩٨٣.
٧٨. \_\_\_\_\_، كتاب التيسير فى القراءات السبع، چاپ اتو پرتسل، ليزيك / استانبول ١٩٣٠.
٧٩. داوودى، محمد بن على، طبقات المفسرين، چاپ على محمد عمر، ٢ جلد، بيروت ١٩٨٣.
٨٠. ذهبى، شمس الدين محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، چاپ شعيب ارنؤوط و ديگران، ٢٥ جلد، بيروت ١٩٨١-١٩٨٨.

- در ۴ مجلد، بیروت بی تا؛ چاپ ر. ف. عبدالمطلب، ۱۱ جلد، منصوره ۱۴۲۲/۲۰۰۱.
۹۷. شهرستانی، ابن سراج ابوبکر محمد بن عبد الملک، تنبیه الالباب علی فضائل الاعراب، چاپ م. ب. م. عوفی، قاهره ۱۴۱۰/۱۹۸۹.
۹۸. شهرستانی، مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، عکس نسخه خطی، چاپ و با مقدمه حائری، ۲ جلد، تهران، ۱۹۸۹.
۹۹. صریفینی، المنتخب من السياق لتاریخ نیشابور، چاپ م. ا. عبدالعزیز، بیروت ۱۹۸۹.
۱۰۰. ضامن، ح. ص. ، (ویراستار)، اربعة كتب في علوم القرآن، بیروت ۱۴۱۸/۱۹۹۸.
۱۰۱. طاشکوپری زاده، ابوالخیر، مفتاح السعادة، چاپ ک. ک. بکری و عبدالوهاب ابوالنور، ۴ جلد، قاهره ۱۹۶۹.
۱۰۲. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، با مقدمه محسن امین عاملی، ۳۰ جلد در ۶ مجلد، بیروت ۱۳۸۰/۱۹۶۱.
۱۰۳. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آئی القرآن [تا پایان نحل: ۲۷]، چاپ محمود محمد شاکر و احمد محمد شاکر، ۱۶ جلد، قاهره ۱۹۵۴-۱۹۶۸؛ ویرایش دوم برخی جلدها: قاهره ۱۹۶۹؛ چاپ احمد ساعد علی و دیگران، ۳۰ جلد، قاهره ۱۳۷۳-۱۳۷۷/۱۹۵۴-۱۹۵۷ (چاپ مجدد: بیروت ۱۹۸۴) و ترجمه آن از ج. کوپر (آکسفورد ۱۹۸۷).
۱۰۴. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، با مقدمه آقا بزرگ طهرانی، ۱۰ جلد، نجف ۱۳۷۶-۱۳۸۳/۱۹۵۷-۱۹۶۳.
۱۰۵. عکبری، ابوالبقاء عبدالله بن حسین، التبیان فی اعراب القرآن، چاپ علی محمد بجاوی، ۲ جلد، قاهره ۱۳۶۹/۱۹۷۶.
۱۰۶. علوجی، عبدالحمید، مؤلفات ابن الجوزی، کویت ۱۹۹۲.
۱۰۷. علوم القرآن عند المفسرین، ۳ جلد، تهران ۱۳۷۴، ش/ ۱۹۹۵ (گردآمده از منابع شیعه و سنی).
۱۰۸. غزالی، ابو حامد محمد بن محمد، احیاء علوم الدین، ۴ جلد، قاهره ۱۲۸۹/۱۸۷۲، چاپ مجدد قاهره ۱۹۳۳، ۱/ ۲۶۴-۲۴۴ [کتاب ۸]، زبیدی، اتحاف السادة المتقین بشرح احیاء علوم الدین، ۱۵ جلد، بیروت ۱۴۰۹/۱۹۸۹، ۴/۵-۱۸۱.

۸۱. رازی، عبدالرحمن، فضائل القرآن و تلاوته و خصائص ثلاثه و حملته، چاپ ع. ح. صبری، بیروت ۱۹۹۴.
۸۲. راغب اصفهانی، مقدمه جامع التفاسیر، کویت ۱۹۸۴.
۸۳. سخاوی، علم الدین علی بن محمد، جمال القراء و کمال الاقراء، چاپ علی حسین بواب، ۲ جلد، مکه ۱۴۰۸/۱۹۸۷.
۸۴. سعید بن منصور، السنن، چاپ س. ب. ع. ب. ع. حُمید، ۵ جلد، ریاض ۲۰۰۰.
۸۵. سمن حلی، شهاب الدین، الدر المصون فی علوم الكتاب المکتون (اعراب السمین)، چاپ م. ع. معوض و دیگران، ۶ جلد، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۴.
۸۶. \_\_\_\_\_، عمدة الحفاظ فی تفسیر أشرف الالفاظ، چاپ ع. ا. ت. حلی، ۴ جلد، طرابلس لیبی ۱۹۹۵.
۸۷. سورآبادی، تفسیر السورآبادی، ۵ جلد، تهران ۱۳۸۱ ش / ۲۰۰۲.
۸۸. سهیلی، ابوالقاسم عبدالرحمن بن عبدالله، التعریف و الاعلام فیما أبهم فی القرآن من الاسماء و الاعلام، چاپ عبدالله محمد علی نقراط، طرابلس ۱۴۰۱/۱۹۹۲.
۸۹. سیوطی، جلال الدین محمد بن ابی بکر، الاتقان فی علوم القرآن، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، ۴ جلد در ۲ مجلد، قاهره ۱۹۷۴.
۹۰. \_\_\_\_\_، التخییر فی علم التفسیر، چاپ فتحی عبدالقادر فرید، قاهره ۱۴۰۶/۱۹۸۶.
۹۱. \_\_\_\_\_، تناسق الدرر فی تناسب السور، چاپ عبدالقادر احمد عطا، بیروت ۱۴۰۶/۱۹۸۶.
۹۲. (منسوب)، معترك الاقران فی اعجاز القرآن، چاپ ع. م. بجاوی، ۳ جلد، قاهره ۱۹۳۹-۱۹۷۲.
۹۳. (منسوب)، مقالید العلوم فی الحدود و الرسوم، چاپ م. ا. عبادة، قاهره ۱۴۲۴/۲۰۰۴؛ سیوطی بلهان [مراجعه شود به بخش منابع لاتین]. شافعی، محمد بن ادریس، احکام القرآن، ۲ جلد در یک مجلد، بیروت ۱۹۸۰.
- \_\_\_\_\_، کتاب الام، چاپ م. ز. نجار، ۷ جلد

١٠٩. \_\_\_\_\_، جواهر القرآن، بيروت ١٩٧٤ (چاپ چهارم).
١١٠. \_\_\_\_\_، كتاب الذهب الابرز (الابريز) في اسرار خواص كتاب الله العزيز، چاپ ع. ص. حمدان، قاهره [٢٠٠٠].
١١١. فارسی، ابوعلی حسن بن علی، الحجة للقراء السبع، چاپ بدرالدین قهوجی و دیگران، ٦ جلد، دمشق ١٩٨٤-١٩٩٢.
١١٢. فرات کوفی، تفسیر، چاپ م. کاظم، تهران ١٤١٠ / ١٩٩٠.
١١٣. فریابی، جعفر بن محمد، فضائل القرآن، چاپ ا. ع. ف. جبریل، ریاض ١٩٨٩.
١١٤. فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزيز، چاپ محمدعلی نجار، ٦ جلد، قاهره ١٩٦٤-١٩٧٣.
١١٥. قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، چاپ احمد عبدالعلیم بردونی و دیگران، ٢٠ جلد، قاهره ١٩٥٢-١٩٦٧.
١١٦. قسطلانی، احمد بن محمد بن ابی بکر، لطائف الاشارات لفنون القرائات، چاپ عامر سید عثمان و عبدالصبور شاهین، قاهره ١٩٧٢، ١ / ٥-٨٦.
١١٧. قنوجی، ابو الطیب م. صدیق خان، أبجد العلوم، چاپ ع. زکار، ٣ جلد، دم.
١١٨. کافجی، محمد بن سلیمان، التیسیر فی قواعد التفسیر، چاپ ن. ب. م. مطرودی، دمشق ١٤١٠ / ١٩٩٠.
١١٩. کرمانی، محمود بن حمزة، البرهان فی توجیه متشابه القرآن، چاپ ا. ع. ا. خلف الله، بیروت ١٩٩٦ (چاپ اول: ١٩٩١).
١٢٠. کسائی، معانی القرآن، گردآوری عیسی شحاته عیسی، قاهره ١٩٩٨.
١٢١. ماتریدی، ابو منصور محمد بن محمد، تأویلات أهل السنة، چاپ جاسم محمد جبوری، بغداد ١٤٠٤ / ١٩٨٣؛ چاپ ف. ی. خیمی، ٥ جلد، بیروت ٢٠٠٤ (متن کامل با تصحیح نسبتاً غیر انتقادی)؛ تأویلات القرآن، چاپ ا. ونلی اوغلو و ب. تویال اوغلو، ١ جلد تاکنون، (سوره بقره و آل عمران)، استانبول ٢٠٠٥ (چاپ خوب و انتقادی).
١٢٢. ماوردی، علی بن محمد، النکت و العیون فی التفسیر، چاپ سیدین عبدالمقصود بن عبدالرحیم، ٦ جلد، بیروت ١٤١٢ / ١٩٩٢.
١٢٣. \_\_\_\_\_، الامثال و الحکم، چاپ عبدالؤمن احمد، اسکندریه ١٩٨٥.
١٢٤. مکی بن ابی طالب قیسی، التبصرة فی القرائات العشر، چاپ م. غوث الندوی، بمبئی ١٤٠٢ / ١٩٨٢.
١٢٥. \_\_\_\_\_، الرعاية لتجويد القراءة و تحقیق لفظ التلاوة، چاپ ا. ح. فرحات، دمشق ١٣٩٣ / ١٩٧٣.
١٢٦. \_\_\_\_\_، العمدة فی غریب القرآن، چاپ ی. ع. مرعشلی، بیروت ١٩٨٤ (چاپ اول: ١٩٨١).
١٢٧. \_\_\_\_\_، الكشف عن وجوه القرائات السبع و عللها و حججها، چاپ محیی الدین رمضان، ٢ جلد، دمشق ١٩٧٤.
١٢٨. \_\_\_\_\_، كتاب الابانة عن معانی القرائات، چاپ محیی الدین رمضان، ٢ جلد، دمشق ١٩٧٩.
١٢٩. \_\_\_\_\_، مشکل إعراب القرآن، چاپ ح. ص. ضامن، بیروت ١٤٠٧ / ١٩٨٧ (بغداد ١٩٧٣).
١٣٠. مهدوی، ابوالعباس، بیان السبب الموجب لاختلاف القرائات و كثرة الطرق و الروایات، در ح. ص. ضامن (ویراستار)، أربعة كتب فی علوم القرآن، بیروت ١٤١٨ / ١٩٩٨، ص ٩-٤٢.
١٣١. \_\_\_\_\_، هجاء مصاحف الامصار، چاپ م. م. رمضان، در RIMA، شماره ١٩ / ١ (سال ١٩٧٣)، نیز در: م. م. س. ح. کمال (گردآورنده)، مجموعة الرسائل الكمالیة، ١. فی المصاحف و القرآن و التفسیر (٥ رساله)، طائف ١٤٠٧ / ١٩٨٦، ١١٥-٢٠٢ (ابن ویرایش بداست؛ ویراستار نتوانسته مؤلف را بشناسد).
١٣٢. نسائی، احمد بن شعیب، فضائل القرآن، چاپ سمیر خولی، بیروت ١٩٨٥.
١٣٣. \_\_\_\_\_، السنن الكبرى، چاپ عبدالغفار سلیمان بنداری و سید کسروی حسن، ٦ جلد، بیروت ١٤١١ / ١٩٩١.
١٣٤. نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد اعرج، تفسیر، در حاشیه طبری، جامع البیان.

۱۰. خان، م. ، اللهجات العربية و القرائات القرآنية؛ دراسة في البحر المحيط، قاهره ۲۰۰۲.
۱۱. خطيب، عبدالكريم، من قضايا القرآن؛ نظمه جمعه ترتيبه، قاهره ۱۳۹۳/ ۱۹۷۳.
۱۲. خطيب، عبداللطيف، معجم القرائات، ۱۱ جلد، دمشق ۱۴۲۲/ ۲۰۰۲.
۱۳. زرقاني، م.ع. ، مناهل العرفان في علوم القرآن، ۲ جلد، قاهره ۱۹۴۳.
۱۴. شحاتة، ا. ، علوم التفسير، قاهره ۱۹۸۶.
۱۵. شريف، م.ح. ، معجم حروف المعاني في القرآن، ۳ جلد، بيروت ۱۹۹۶.
۱۶. صفار، ابتسام مرهون، معجم الدراسات القرآنية، موصل، ۱۹۸۴.
۱۷. طويل، س.ر. ، في علوم القرائات، مکه، ۱۴۰۵/ ۱۹۸۵.
۱۸. عميرة، ا.ا.وع.م. سيد، معجم الأدوات و الضمائر في القرآن، بيروت ۱۹۸۶ (چاپ دوم: ۱۹۸۸).
۱۹. فنيسان، س.ا. ، آثار الحنايلة في علوم القرآن، المطبوع، المخطوط، المفقود، قاهره ۱۹۸۹.
۲۰. لاشين، م.ش. ، اللثالي الحسان في علوم القرآن، قاهره ۱۴۲۳/ ۲۰۰۲.
۲۱. مبارك، م. ، الرمانى النحوى في ضوء شرحه لكتاب سيوييه، بيروت چاپ دوم، ۱۹۷۴.
۲۲. محسن، م.س. ، القرائات و أثره في العلوم العربية، قاهره ۱۹۸۴-۱۹۸۶.
۲۳. معرفت، محمدهادى، التفسير و المفسرون، ۲ جلد، مشهد ۱۴۱۸/ ۱۹۹۷.
۲۴. \_\_\_\_\_ ، التمهيد في علوم القرآن، قم ۱۳۷۸ ش/ ۱۹۹۹.
۲۵. موسى، ك. ، التبيان في علوم القرآن، بيروت ۱۴۱۲/ ۱۹۹۲.

#### (ب) لاتين

1. Abbot, N. *Studies in Arabic literary papyri*, II. *Qur'anic commentary and tradition*, Chicago 1967.
2. \_\_\_\_\_, *Studies in Arabic literary papyri*, III. *Language and literature*, Chicago 1972.
3. Ahlwardt, W., *Verzeichnis der arabischen Handschriften der Koniglichen Bibliothek zu Berlin*, 10 vols, Berlin 1887-1899.

۱۳. واسطى، ابوالعزّ قلانسى، ارشاد المبتدى في القرائات العشر، چاپ حمدان كيبس، مکه ۱۹۸۴.
۱۴. هارون بن موسى، الوجوه و النظائر، چاپ ح.ص. ضامن، بغداد ۱۴۰۹/ ۱۹۸۸.
۱۵. ياقوت بن عبدالله حموى، ارشاد الأريب إلى معرفة الأديب، چاپ احسان عباس، ۷ جلد، بيروت ۱۹۹۳.
۱۶. يحيى بن سلام، التصاريف. تفسير القرآن مما اشتبهت أسماؤه و تصرفت معانيه، چاپ هندشلى، تونس ۱۹۷۹.
۱۷. \_\_\_\_\_ ، تفسير [سوره های نحل تازمر]، چاپ هندشلى، ۲ جلد، بيروت ۲۰۰۴.

#### پژوهش های جديد

#### (الف) عربى

۱. ابن عاشور، م. فاضل، التفسير و رجاله، درم. س.ح. كمال (گردآورنده)، مجموعة الرسائل الكمالية، جلد ۱، في المصاحف و القرآن و التفسير، (۵ رساله)، طائف ۱۴۰۷/ ۱۹۸۶، ص ۳۰۷-۴۹۵.
۲. ابيارى، الموسوعة القرآنية، ۶ جلد، قاهره ۱۳۸۸/ ۱۹۶۹.
۳. امين، حسن، دائرة المعارف الاسلاميه الشيعية، ۱۱ جلد، بيروت ۱۴۱۲-۱۴۱۸/ ۱۹۹۱-۱۹۹۸.
۴. انصارى قمى، حسن، ملاحظاتي چند درباره ميراث برجای مانده كراميه، كتاب ماه دين، ۵۶-۵۷، ۱۳۸۰ ش، ۶۹-۸۰.
۵. ايازى، محمدعلى، المفسرون حياتهم و منهجهم، تهران ۱۴۱۴/ ۱۹۹۱-۱۹۹۴.
۶. بقاعى، م.ك. ، كتاب لغة القرآن، در: *Journal of the Jordan Academy of Arabic*, 18(1994), 131-146.
۷. حلو، ع. ، معجم الدراسات القرآنية عند الشيعة الامامية، بيروت ۱۹۹۲.
۸. حمد، غ. قدورى، الدراسات الصوتية عند علم التجويد، عمان ۲۰۰۳.
۹. \_\_\_\_\_ ، رسم المصحف؛ دراسة لغوية تاريخية، بغداد ۱۹۸۲.

*Enstehung und fruhen Geschichte des Islam*, Berlin 2055, 295-316.

16. Gilliot, Cl., al. Le Coran, fruit d'un travail collectif?, in D. de Smet et al. (eds.), *al-Kitab. La Sacralite du texte dans le monde de l'Islam, Actes du Symposium international tenu a Leuven et Louvain-la-Neuve du 29 mai au 1 juin 2002, Bruxelles, Louvain-la-Neuve, Leuven* 2004, 185-231.
17. \_\_\_\_\_, L' exegese du Coran en Asic Centrale et au Khorasan, in *Studia Islamica*, 89(1999), 129-164.
18. \_\_\_\_\_, *Exegese, Langue, et theologie en Islam. L'exegese coranique de Tabari* (m. 310/923), Paris, 1990.
19. \_\_\_\_\_, Exegesis of the Qur'an: Classical and medieval, in *EQ*, 2/99-124 .
20. \_\_\_\_\_, Muqatil, grand exegete, traditionniste et theologien maudit, in *Journal asiatique*, 279 (1991/1-2), 39-92.
21. \_\_\_\_\_, Les sciences coraniques chez les Karmites du Khorasan. Le livre des foundations, in *Journal asiatique*, 288 (2000), 15-181.
22. \_\_\_\_\_, Les sept "lectures" = [1and2], Corps social et ecriture revelee, [1] in *Studia Islamica*, 61 (1985), 5-25; [2] 63 (1986), 49-62.
23. \_\_\_\_\_, Textes arabes anciens edites en Egypte, in *MIDEO*, 19 (1989), 25-6 (2004).
24. \_\_\_\_\_, La theologie musulmane en Asie centrale et au Khorasan, in *Arabica*, 49 (2002/2), 135-203.
25. \_\_\_\_\_, Les traditions sur la memorization et la composition/coordination du Coran et leur ambigute, in Cl. Gilliot and T. Nagel (eds.), *Das propheeten hadit. Dimensionen einer islamischen Literaturgattung [Proceedings of the Gottingen Kolloquium uber das hadit, Gottingen, Seminar fur Arabistik, 3-4 November [2000], Gottingen 2005*, 14-39.
26. Gimaret, D., Bibliographie d'As'ari, Un reexamen, in *Journal Asiatique*, 273 (1985), 223-92 .
27. Goldziher, I., *Die Richtungen der islamischen Koranauslegung*, Leiden, 1920; repr.1970.
4. Amir-Moezzi, M. A., *Le Guide divin dans le shi'isme original. Aux sources de l'esoterisme en Islam*, La-grasse 1992.
5. Amir-Moezzi, and Ch. Jambet, *Qu'est-ce que le chiisme?*, Paris 2004.
6. Anawati, G., Textes arabes anciens edites en Egypte au cours de l'annee 1957, in *MIDEO*, 4 (1957), 203-204 (esp. no.18).
7. \_\_\_\_\_, Textes arabes anciens edites en Egypte au cours des annees 1959 et 1960, in *MIDEO*, 6 (1961), 227-280 (esp. no. 15).
8. Balhan, J. -M. La Revelation du Coran selon al-Suyuti, Traduction annotee du chapitre seizieme de [...] al-Itqan [...], in *Etudes arabes* 97 (2001).
9. Bar-Asher, M. M., *Scripture and exegesis in early Imami Shiism*, Leiden 1999 .
10. Borrmans M., et al., Le Commentaire coranique. Premiere partie: le tafsir ancien, in *Etudes arabes*, 67-68 (1984-1985).
11. Bouyges, M., *Essai de chronologie des avures de al-Ghazali*, Beirut 1959 .
12. Brockelmann, Carl, *Geschichte der arabischen Literatur*, 2<sup>nd</sup> ed., 2 vols, And 3 vols. Suppl., Leiden 1943-9; with new introduction, Leiden 1996.
13. van Ess, J., *Theologie und Gesellschaft im 2, und 3. jahrhundert Hidschra. Eine Geschichte des religiosen Denkens im fruhen Islam*, 6 vols. Berlin/ NewYork, 1991-7.
14. \_\_\_\_\_, *Ungenutzte Texte zur Karramiya, Eine Materialsammlung*, Heidelberg 1980.
15. Fedeli, A., Early evidences of variant readings in qur'anic manuscripts, in K. -H. Ohlig and G. -R. Puin, *Die Dunklen Anfange. Neue Forschungen zur*

41. \_\_\_\_\_, Ibn Abbas's al-Lughat fi l-Quran, in BSOAS, 44 (1981). 15-25.
42. Rosenthal, F., *Knowledge triumphant. The concept of knowledge in medieval Islam*, Leiden 1970.
43. de Sacy, Silvestre, A.-I, Memoire sur l'origine et les anciens monuments de la literature parmi les Arabes, in *Memoires tires des registres de l'Academie royale des inscriptions et belles letters*, 50 (1785), 247-441.
44. \_\_\_\_\_, in *Notices et Extraits des Manuscrits de la Bibliotheque Imperiale*, 8 (1810), 290-332 (Du manuscript n 239 de la Bibliotheque Imperiale, contenant un Traite sur l'orthographe primitive de l'Alcoran, intitule: *Kitab al-Mauqni'fi ma'rifat al-amsar ...*, 200-306; Traite de punctuation, 306-32); 333-54, (Commentaire sur le poeme nomme Raiyya); 355-9 (De differents Traités relatifs a l'orthographe et a la lecture de l'Alcoran); 360-2 (Traite des repos voix dans la lecture de l'Alcoran).
45. \_\_\_\_\_, in *Notices et Extraits ...*, 9 (1813), 1-116 (De la prononciation des letters arabes, extrait du manuscript arabe n 260, 1-75; Alcoran = D'un manuscript arabe de variants [ms. 189], 76-110; Pauses = D'un Traite des pauses dans la lecture de l'Alcoran, 111-16).
46. Saleh, W., *The formation of the classical tafsir tradition, The Qur'an commentary of al-Tha'labi* (d 427/1035), Leiden 2004.
47. Sezgin, F., *Geschichte des arabischen Schrifttums*, 9 vols, Leiden 1967-84.
48. Versteegh, K., *Arabic grammar and Qur'anic exegesis in early Islam*, Leiden 1993.
49. Wansbrough, J., *Qur'anic Studies, Sources and methods of Scriptural interpretation*, Oxford 1977.
50. Wild, S. (ed.), *The Qur'an as text*, Leiden 1996.
51. Yahia, M., *La contribution de l'Imam as-safi'i la methodologie juridique de l'islam Sunnite*, PhD diss, Paris, 2003.
28. Grunert, TH., Die Imala, der Umlaut im Arabischen, in *Sitzungsbrichte der Akademie der Wissenschaften zu Wien, Phil.- hist. Classe*, 81 (1876), 447-542.
29. Hamdan, O., Konne die verschollenen Koratexte der Fruhzeit durch nichtkanonische Lesarten rekonstruiert warden, in S. Wild (ed.), *The Qur'an as text*, Leiden, 1996.
30. \_\_\_\_\_, *Die Koranlesung des Hasan al-Basri (110/728). Ein Beitrag zur Geschichte des Koran-textes*, PhD diss., Tübingen 1995.
31. Kohlberg, E., *A Medieval Muslim at work, Ibn Taw-us and his library*, Leiden 1992.
32. Monnot, G., Islam, Exegese coranique. L'introduction de Shahrastani a son commentaire coranique inedit, in *Annuaire. Resume des conferences et travaux, EPHE, V Section Sciences religieuses*, 93 (1984-5), 305-15.
33. Nagel, T., *Medinensische Einschube in mekkanischen Suren*, Gottingen 1995.
34. Neuwirth, A., Der Koran, in *GAP*, 2/96-135.
35. \_\_\_\_\_, Die Masa'il Nafi' b. al-Azraq. Elements des `portrait mythoque d'Ibn `abbas ode rein Stuck realer Literatur? Ruckschlusse aus einer bish-er unbeachteten Handschrift, in *Zeitschrift fur arabische Linguistic*, 25 (1993), 233-50.
36. Noldeke, T., *Geschichte des Qorans*, new edition by F. Schwally, G. Bergstrasser and O. Pretzl, 3 vols., Leipzig 1909-38.
37. Nolin, K. E., *The Itqan and its sources, A study of al-Itqan fi ulum al-Qur'an by Jalal al-Din al-Suyuti with special reference to al-Burhan fi ulum al-Qur'an by Badr al-Din al-Zarkashi*, PhD diss. Hartford Seminary Foundation, 1968.
38. Pretzl, O., Die Wissenschaft der Koranlesung, in *Islamica*, 6 (1933-35), 1-47, 230-246, 290-331.
39. Pickthall, M. M., *The meaning of the glorious Koran*, London, 1930; New York 1976.
40. Rippin, A., Ibn Abbas's Gharib al-Qur'an, BSOAS, 46 (1983), 332-3.